



## مژده به مخاطبان خبرگزاری بین المللی افق

پس از این آخرین خبرهای افغانستان، منطقه و جهان را بدون نیاز به انترنت، فقط در بدل ۴ افغانی در تلفن‌های همراه تان دریافت کنید. برای عضویت، ۲۰ را به ۳۰۰۰ ارسال نمایید. در پایان هر سه ماه، به مشترکین گرامی به قید قرعه جوایز نفیسی اهدا خواهد شد.

شماره تماس: ۰۷۴۴۰۹۰۰۰۰ [www.ufuqnews.com](http://www.ufuqnews.com)



## لب دریاوکابل



حمزه واعظی (۴)

### خانه‌های های مجلل، ساختارهای معطل

کابل، یک پارچه آشفته‌گی، بی‌نظمی و نابه‌سامانی است. نه طراوت و سخاوت یک شهر را تداعی می‌کند و نه طهارت و تازگی یک روستا را در خود دارد. نه شکوه و عظمت یک پایتخت را برمی‌تاباند و نه خلوت و نظم یک شهرک را نمایان می‌سازد. آشفته‌گی و ناپیوستگی، گویی هویت شهر و الگوی فرهنگ اجتماعی-سیاسی گردیده و به نماد سرنوشت سیاسی تبدیل شده است. شهر، دارد در سنگینی حجم خویشتن خویش تن‌نشین می‌گردد و نفس‌هایش از زیر بار عظیم خاک و موتر و آدم به شماره افتاده است.

چهره‌ی کابل خراشیده می‌نماید؛ اما این چهره‌ی به‌شدت در حال آرایش است. این آرایش اما سخت ناشایسته و ناموزون و نازیبا و آناشایسته است. خبری از ساختارهای مدرن و اولیه‌ی زیربنایی؛ مانند سیستم آب و فاضلاب شهری و مترو و پل و گذر نیست تا حیثیت یک پایتخت را به آن ببخشد. از اجرای قوانین و اعمال الگوی طرح ترافیک، اثری نیست تا نظم و آرامش شهری را نشان دهد. سازه‌های بی‌قواره‌ی ساختمانی، قیافه‌های بی‌رمق درخت‌های خیابان، چهره‌ی عبوس و بی‌نظم و بی‌سامان زندگی شهری را به رخ آدم می‌کشد.

اداره‌ی عریض و عظیم شهرداری که باید متصدی نظم و نظافت و سازندگی و ساماندهی باشد، گویی به سیستم فاسد «شهرخواری» تبدیل شده که به بزرگ‌ترین مولد بی‌نظمی و مروج بی‌مسئولیتی و آلودگی فضای اخلاق شهرنشینی و الگوی مدیریت شهری مشهور گردیده است.

قصرهای سبز و سفید و آبی و گل‌گلی مثل قارچ در هر کوی و برزن، از شمالی‌ترین نقطه‌ی خیرخانه تا غربی‌ترین زاغه‌نشین‌های کوچه‌های دشت برچی، رویدهند تا بی‌تناسبی و بی‌سلیقی شهرنشینان دهنده‌ی نمایان سازند و برنایبوستگی و بی‌نظمی و آناشایسته الگوی شهرنشینی، مهر ملامت بگویند. این ساختار شهری و این الگوی شهرسازی، پیش از هر چیز از غیبت نظم و سستی نظام سیاسی، بی‌تناسبی الگوهای تعامل اجتماعی، آشفته‌گی روزگار ذهنی و بی‌سامانی فرایند اقتصادی حکایت می‌کند.

رشد و سرعت قصرنشینی و قصرسازی، معنای دیگری هم دارد و آن این که اشرافیتی پنهان در حال رشد است. اشرافیتی که عمدتاً از بطن چرخه‌ی فساد سیاسی-اقتصادی در عرصه‌ی مدیریت متولد می‌شود و تفرعن رفتاری و مانور قدرت سیاسی خود را در تجملات زندگی شهری به رخ می‌کشد.

کزی، کاهلی، ناپیوستگی، بی‌سلیقی و نابه‌سامانی در ساختار شهری کابل، در واقع نمادی از روزگار سیاسی-اجتماعی افغانستان است که جامعه‌ای است در حال گذار که هنوز تجربه، مهارت، صلاحیت و ظرفیت زندگی مدرن اجتماعی و ثبات سیاسی را درک و درونی نساخته است.

ساختن این قصرها و بی‌سلیقی در فرم و تناسب شهری-جغرافیایی آن‌ها، سمبولی از ظهور طبقات نخبه‌ی سیاسی-اقتصادی تازه به دوران رسیده نیز هست که اغلب بی‌قاعده و بدون طی مراحل به مدارج عالی مدیریتی رسیده‌اند و عرصه‌ی قدرت سیاسی را به یک رقابت تجملی و صحنه‌ی بهره‌وری اقتصاد مافیایی تبدیل نموده‌اند.

این قصرنشینی نمادی از فردگرایی بی‌ضابطه و مسئولیت‌ناپذیرانه نیز هست. فردگرایی در جوامع مدرن ناشی از نهادمندی ارزش انسانی و بلوغ اخلاق سیاسی می‌باشد که فرد با حفظ اصالت فردی و حریم فردیت خود، به انسانی‌ترین و مسئولانه‌ترین روش، تعهد و وجدان اخلاقی خویش را در قبال جامعه نیز فریه و بارور می‌سازد. در چنین جوامعی، حتا ثروت و تجمل و قصرنشینی یک امر فردی و میتودی برای بهتر زیستن و ادای مسئولیت در قبال تأمین خانواده است، نه الزاماً تفاخر و تفرعن فردی در برابر سایر افراد و بی‌مسئولیتی و حتا ریشخند نسبت به فقرا و همسایگان. گذشته از این، بخشی از این ثروت و قصرنشینی‌ها از طریق مالیات به جیب عامه می‌ریزد. در کابل اما قصرنشینی نشانه‌ای از تفرعن و تبختر جاهلانه است که عمدتاً نه به‌خاطر بهتر زیستن و با هدف رفاه خانواده می‌باشد، بلکه بیش‌تر به‌خاطر آزار دادن بصری و تحت فشار قراردادن روانی همسایگان، فقرا و جامعه و مجرای برای تحت تأثیر قرار دادن سیاست و نفوذ به بزرگان و سیاستمداران و رهبران اجتماعی می‌باشد.

خلاصه، کابل شهر سازندگی و بازندگی، شهر شکوه‌های بی‌بنیاد و شادمانی‌های بی‌فریاد است. شهر بی‌قرار و پریشان‌رفتار، شهر زندگی‌های مجلل است و ساختارهای معطل...

## دیده‌بان حقوق بشر: ایران به مهاجران افغان فرصت پناهجویی بدهد



صفحه ۲

صفحه ۳

## عبدالله و غنی، پاروزنان یک قایق سرگردان

حکومت وحدت ملی بعد از ماه‌ها کشمکش‌های انتخاباتی، با تقسیم پنجاه-پنجاه قدرت میان دو رقیب پیش‌تاز به‌وجود آمد. سرانجام اشرف غنی به عنوان رییس‌جمهور و عبدالله به عنوان رییس اجرائی حکومت وحدت ملی انتخاب شدند. در تاریخ افغانستان این اولین بار بود که انتقال قدرت از یک رییس‌جمهور به رییس‌جمهور دیگر به‌طور مسالمت‌آمیز و بدون اقدام خشونت‌آمیز صورت گرفت. واجدین شرایط رای، زن و مرد، مشتاقانه به پای صندوق‌های رای رفتند و از رای‌شان به‌نفع نامزد مورد حمایت‌شان استفاده نمودند. اما تقلب و به‌درازا کشیده شدن انتخابات، شور و شوق مردم را به یأس و ناامیدی مبدل ساخت. پروسه‌ی انتخابات با هفت ماه تأخیر، پرچالش‌ترین انتخابات جهان شناخته شد. مردم افغانستان هراس از بازگشت به وضعیت دهه‌ی هفتاد و ترس از جنگ داخلی را داشتند.

هر دو رقیب انتخاباتی و هواداران‌شان در جریان انتخابات از...



صفحه ۴

بخش دوم

## افغانستان؛ جغرافیای مواد مخدر



منطقه‌ی مرزی بلوچستان میان افغانستان، پاکستان و ایران یکی از غیرقانونی‌ترین راه‌های روی زمین است. این منطقه دارای صحراها و کوه‌های است و ۲۰۰ هزار مایل مربع مساحت دارد. اقوام بلوچ و پشتون از ساکنان این منطقه‌اند، مجهز به سلاح‌های سنگین می‌باشند و قرن‌ها در انواع مختلف قاچاق دست داشته‌اند. بعضی از آن‌ها به‌طور عادی همکار دولت‌اند؛ در حالی که تعداد دیگر آن‌ها با ترکیبی سردرگم با گروه‌های شورشی پیوند دارند. شورشیان بلوچ سکولار به دنبال استقلال از پاکستان می‌باشند. گروه سنی‌های ضدایران که صف‌های بزرگی از اسلام‌گرایان شورشی، به‌شمول طالبان را تشکیل می‌دهند، در این نواحی سکونت دارند. این جا پناه‌گاه طبیعی برای فعالیت‌های غیرقانونی است.

بهرامچه مرکز این جاست، مرکز فعالیت‌های قاچاق بران در بخشی از مرز افغانستان در تپه‌های چپگی، ۱۵۰ مایل به طرف جنوب و از سال ۲۰۰۱ به این سو تحت حاکمیت دولت افغانستان نمی‌باشد. این جا یک مرکز مهم و مناسبی برای بیش‌ترین تجارت تریاک است. محصولات دهقانان مانند میرزا خان توسط تاجران محلی به...



<b>اطلاعات روز</b>	
دو شنبه	۲
۱ جلدی	
۱۳۹۳	
سال سوم	
شماره ۷۳۸	

## یادداشت روز

## گام دشوار معرفی کابینه

.....**هادی صادقی**

رییس جمهور غنی در روز مراسم تحلیف وعده داد که در مدت ۴۵ روز کابینه‌ی حکومت وحدت ملی را اعلان می‌کند؛ اما اکنون با گذشت نزدیک به دو برابر این مهلت، هنوز از تشکیل کابینه‌ی حکومت وحدت ملی خبری نیست.
جز شایعات گرم و فکاهه‌های سیاسی که هر روز در مورد تشکیل کابینه از سوی شهروندان ساخته و نشر می‌شوند، هیچ حرف دقیقی در مورد تشکیل کابینه در دست نیست. با گذشت نزدیک به سه ماه از ایجاد حکومت وحدت ملی، هنوز هم رییس جمهور و رییس اجرایی از چاله‌های دشوار تقسیم کرسی‌های وزارت میان دو تیم عبور نکرده و کار کمیته‌ی گزینش وزرا به فرجام نرسیده است. با این‌که هردو تیم بر سر تقسیم کرسی‌های وزارت در موافقت‌نامه‌ی تشکیل حکومت وحدت ملی به توافق رسیده بودند؛ اما ظاهرا به نظر می‌رسد این سند مسیر دشوار تقسیم کرسی‌های وزارت و قناعت دادن دو طرف را حل کرده نمی‌تواند.
رییس جمهور و رییس اجرایی در این موارد از مواجهه با پرسش شهروندان و خبرنگاران می‌گریزند و سخنگویان آن‌ها در این مورد سخن تازه‌ای ندارند. به نظر می‌رسد، هنوز هم دو تیم بر سر تقسیم قدرت و تشکیل کابینه به تفاهم نرسیده‌اند. برخی اسامی به عنوان نامزدوزیر حکومت وحدت ملی گاه در میان مردم و شبکه‌های اجتماعی بر سر زبان‌ها می‌آیند و لیست‌هایی منتشر می‌شوند؛ اما تاکنون هیچ یک از این لیست‌ها و اسامی از سوی رییس جمهور و رییس اجرایی تأیید نشده‌اند.
نزدیک به سه ماه است که تمام وزارت خانه‌ها و ولایت‌ها با سرپرست‌ها اداره می‌شوند و این وضعیت مردم را به ستوه آورده است. مردم از اجرا نشدن کارهای اداری‌شان شکایت می‌کنند. بازرگانان می‌گویند که کاروبارشان به این دلیل از رونق افتاده است و وضعیت امنیتی نیز بیش از هر وقت دیگر وخیم شده است. برنامه‌های توسعه‌ای وزارت‌خانه‌ها و اداره‌های دولتی عملا تا تشکیل کابینه‌ی جدید تعطیل است و سرپرست‌ها از نظر قانونی و اداری صلاحیت انجام کارهای عمده و اساسی ادارات‌شان را ندارند.

گذشته از این‌ها، این وضعیت مشروعیت حکومت وحدت ملی را نیز با پرسش جدی مواجه کرده است. مجلس نمایندگان به حکومت ضرب‌الاجل داده تا یک هفته‌ی آینده اعضای کابینه را برای اخذ رای اعتماد به مجلس معرفی کند. عبدالرووف ابراهیمی، رییس مجلس تا جایی پیشرفت که حکومت وحدت ملی را «غیرمشروع، اجباری و ساخته شده در داخل سفارت امریکا» خواند. مجلس نمایندگان پیش از این نیز گفته بود که حکومت وحدت ملی بدون معرفی اعضای کابینه مشروعیت ندارد.

هرچند برخی مقام‌ها در حکومت گفته‌اند، تا دو روز آینده تعدادی از نامزدوزیران برای گرفتن رای اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند؛ اما با توجه به وعده‌خلافی‌های مداوم آن‌ها، نمی‌توان به این وعده اعتماد کرد.

واقعیت این است که رییس جمهور و رییس اجرایی در تقسیم کرسی‌های حکومت با هم به توافق رسیده‌اند؛ اما جنجال تقسیم قدرت در داخل هردو تیم هنوز هم ادامه دارد. رییس جمهور و رییس اجرایی باید متحدان سیاسی خود در زمان کمپاین را به هر نحوی که شده راضی کنند و کرسی‌های اندک را در میان شمار زیاد احزاب و شخصیت‌های سیاسی که در جریان کمپاین به آن‌ها وعده‌های وزارت و ریاست داده بودند را عادلانه تقسیم کنند. این امر کاری سخت برای رهبران هردو تیم است. از طرفی، رهبران هردو تیم برای پنج سال آینده به متحدان سیاسی خود ضرورت دارند و ریزش‌های درون تیمی آن‌ها را تضعیف خواهد کرد. رییس جمهور و رییس اجرایی به‌خوبی می‌دانند که رقابت‌ها و اختلافات شدید میان اعضای دو تیم در مسیر پیشرو بروز خواهند کرد و صف‌بندی‌ها و جدال‌های دو تیم انتخاباتی کماکان در حکومت وحدت ملی ادامه خواهند یافت. بنابراین، تقسیم و تشکیل کابینه و معرفی آن به مجلس نمایندگان، کاری سخت برای رییس جمهور و رییس اجرایی است.

**اطلاعات روز:** سازمان دیده‌بان حقوق بشر از دولت ایران خواسته است که برای مهاجران افغانستان فرصت پناهجویی بدهد. این سازمان از تصمیم اخیر دولت ایران برای تمدید اقامت ۴۵۰ هزار مهاجر افغان در این کشور استقبال کرده و آن را گامی مؤثر برای جلوگیری از اخراج فوری خوانده است.

اما سازمان یاد شده تأکید دارد که این اقدام جاگزین مناسب برای «سیستم ناقص پناهجویی» در ایران نمی‌شود. به گزارش بی‌بی‌سی، پاترشیا گوسمن، پژوهشگر این سازمان در امور افغانستان دیروز در بیروت گفت، این اقدام ایران برای جلوگیری اخراج فوری حدود نیم میلیون مهاجر افغان از این کشور

قابل ستایش است؛ اما نمی‌تواند سیستم ناقص پناهجویی موجود در این کشور را اصلاح کند. او می‌گوید که حکومت ایران همواره مهاجران بدون مدرک افغان در این کشور را بازداشت و اخراج می‌کند، اما به آن‌ها امکان درخواست پناهندگی، دادرسی عادلانه یا تقاضای تجدید نظر قانونی در مورد طرد و اخراج اجباری را نمی‌دهد. خانم گوسمن افزود، بر اساس سیستم موجود، افغانی‌هایی که تازه وارد ایران می‌شوند، اجازه‌ی درخواست پناهندگی را ندارند.

سازمان دیده‌بان حقوق بشر می‌گوید، ایران به آن عده از افغان‌ها و آن‌هایی که در بازداشت به‌سر می‌برند، فرصت درخواست پناهندگی بدهد

### دیده‌بان حقوق بشر:

## ایران به مهاجران افغان فرصت پناهجویی بدهد

نیز متعهد شده که برنامه‌های خود برای بازگشت این گروه از اتباع افغانستان را ظرف مدت ۲ ماه در کمیته‌ی مشترکی ارائه کند. محمد محقق پس از بازگشت از ایران در یک نشست خبری گفت که یک هیأت دیگر متشکل از وزارت‌های مختلف برای حل مشکلات و آینده‌ی مهاجران افغان به ایران سفر می‌کند. او در ادامه افزود که ۱ میلیون مهاجر افغان به شکل غیرقانونی در ایران به‌سر می‌برند که با مشکلات جدی مواجه اند. محقق افزود، فرزندان مهاجران افغان در ایران حق شمولیت در مکتب‌ها در این کشور را نداشتند، اما با مقام‌های ایران در این مورد مفصل بحث کرده و این مشکل را از میان برداشته است.

### کمک ۴۰۰ میلیون دالری امریکا برای ولایت‌های غربی

کرده است. ساخت ساختمان دانشکده‌ی ژورنالیزم و خوابگاه دخترانه‌ی دانشجویان دانشگاه هرات از عمده‌ترین پروژه‌های بازسازی این کنسولگری در سال‌های اخیر خوانده شده است. شهروندان هرات از ادامه‌ی کمک‌های امریکا به مردم ولایت‌های غربی استقبال کرده و خواستار افزایش آن شده است.

## زیر حاتمی درگذشت نشر خبرهای مربوط به طالبان تحریم شد

هم‌چنان در قطع‌نامه آمده است که هیچ رسانه‌ای در افغانستان از طالبان در خبرها و گزارش‌ها نقل قول نکند. در این قطع‌نامه از حکومت خواسته شده که کمیته‌ای را برای کمک به زخمی‌ها و مصدومین کارمندان رسانه‌ها ایجاد کند. با این حال، وزارت اطلاعات و فرهنگ می‌گوید که طالبان با چنین کارها مانع آزادی بیان شده نمی‌توانند. سیمین غزل حسن‌زاده، معین نشراتی این وزارت در مراسم خاک‌سپاری زیر گرفت که آزادی بیان به قیمت خون خبرنگاران و نویسندگان به‌دست آمده است و این دست‌آورد با کشتار و تهدید و خشونت از بین نمی‌رود. او افزود که مبارزه برای بیان آزاد ادامه خواهد یافت تا هیچ گروه و نظامی نتواند جلو نشر حقایق را بگیرد.

خونده و اعلام کرده است که در این سال حدود ۸ خبرنگار در رویدادهای مختلف کشته شده‌اند. افزایش موارد لت‌وکوب، توهین و تحقیر و سایر انواع خشونت علیه خبرنگاران نیز بر نگرانی‌های خبرنگاران و فعالان رسانه‌ای در افغانستان افزوده است.

**تحریم طالبان**

نهادهای خبرنگاری با نشر قطع‌نامه‌ای، پخش خبرهای مربوط به این گروه را تحریم کردند. به نقل از دویچه وله، مجیب خلوتگر، رییس اجرایی دیده‌بان رسانه‌های آزاد افغانستان (نی) در پایان مراسم خاک‌سپاری زیر حاتمی گفت، رسانه‌های داخلی سر از این تاریخ از نشر خبرهای مربوط به طالبان تا پایان حملات تروریستی بر افراد ملکی و خبرنگاران خودداری می‌کنند.

پیگر زیر حاتمی دیروز توسط گروهی از فرهنگیان و روزنامه‌نگاران همراهی و به خانواده‌اش تحویل داده شد. بعد جنازه‌ی این تصویربردار جوان بعدازظهر دیروز در منطقه‌ی بریکوت شهر کابل به خاک سپرده شد.

در همین حال، دیده‌بان رسانه‌های آزاد افغانستان (نی) با انتشار خبرنامه‌ای گفته است که حکومت طراحان اصلی حمله به مرکز فرهنگی فرانسه را شناسایی و نابود کند. محمد اشرف غنی، رییس جمهور و عبدالله عبدالله، رییس اجرایی حکومت در مورد مرگ این خبرنگار ابراز تأسف کردند.

این حادثه خبرنگاران را نیز غمگین کرد. زیر یک خواهر و دو برادر یتیم و مادر معلول دارد و یگانه نان‌آور خانواده‌ی خود بود. نی سال ۲۰۱۴ را خونین‌ترین سال برای خبرنگاران

### نورستانی: حکومت جدید روند انتخابات را سیاسی نکند

و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی را تعدیل نمی‌تواند.

نورستانی افزود که هر نوع تغییرات و اصلاحات در نظام انتخاباتی، باید از مجرای قانونی انجام شود و در غیر آن، تغییرات مشروعیت ندارند. اما او افزود که قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخابات نیاز به تغییرات دارد؛ ولی طرح تعدیل آن باید از سوی کمیسیون انتخابات پیش‌نهاد شود.

اما شماری از نمایندگان می‌گویند که مطابق قانون اساسی، مجلس نمایندگان صلاحیت تعدیل قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی را دارد. گفته می‌شود که مجلس نمایندگان در قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون‌های انتخاباتی ده مورد تعدیل را پیش‌نهاد کرده

کابینه‌ی آن تشکیل نشده است.

در راستای اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی نیز هنوز اقدامی عملی نشده است. این در حالی است که قرار است انتخابات پارلمانی در ماه ثور سال آینده برگزار شود. از چندی بدین‌سو شماری از نهادهای مدنی و اعضای مجلس شورای ملی تأکید دارند، انتخابات پارلمانی بدون اصلاحات گسترده در نظام انتخاباتی، شفاف و عادلانه برگزار نمی‌شود.

اعضای مجلس نمایندگان خواستار تعدیل برخی از ماده‌های قانون انتخابات کشور اند، اما رییس کمیسیون مستقل انتخابات دیروز در نشستی در کابل گفت که مطابق ماده‌ی ۱۰۹ قانون اساسی، اعضای مجلس نمایندگان در سال آخر دور تقنینی، قانون تشکیل، وظایف

#### وزارت مهاجران و عودت کنندگان:

### با سران پاکستان برای حل مشکلات مهاجران گفت‌وگو می‌کنیم

که مهاجران افغان تا پایان سال ۲۰۱۵ در این کشور باقی بمانند. اما افزود که اگر پاکستان مهاجران افغان را اجبارا اخراج کند، با مشکلات جدی مواجه می‌شویم. او از عملکرد پاکستان در قسمت مهاجران افغان در جریان سال گذشته ابراز خرسندی کرد و گفت که از گذشته‌ها با مهاجران افغان برخورد خوب داشته و امیدواریم در آینده این روند ادامه یابد. جرئت در اخیر از کمیشنری عالی ملل سازمان ملل متحد در امور پناهندگان خواست که تصمیم اخیر حکومت خیبر پشتونخواه را بررسی کند.

اخیر حکومت ایالتی جنبه‌ی عملی ندارد؛ زیرا تصمیم حکومت‌های ایالتی در حد پیش‌نهاد است و فیصله‌ی نهایی را حکومت مرکزی پاکستان اتخاذ می‌کند. جرئت به پژواک گفته که اعلام این تصمیم بیش‌تر جنبه‌ی رسانه‌ای دارد و به احتمال زیاد، این تصمیم توسط حکومت مرکزی پاکستان اتخاذ نشده است. او افزود که اگر این تصمیم حکومت ایالتی خیبر پشتونخواه عملی شود، خلاف تعهدات دو کشور خواهد بود. جرئت تأکید کرد که در نشست‌های دوجانبه با مقام‌های پاکستانی، توافق کردیم

مهاجران و عودت کنندگان در این مورد گفت که این تصمیم خلاف تعهدات دوجانبه است و ما این مشکلات را از راه دیپلماتیک حل می‌کنیم. بر اساس معلومات وزارت امور مهاجران و عودت کنندگان، در حال حاضر حدود ۱۶ میلیون افغان به‌طور قانونی و یک میلیون تن دیگر بدون داشتن مدرک قانونی، در پاکستان با مقامات آن کشور گفت‌وگو می‌نماییم. حکومت خیبر پشتونخواه پاکستان، به تاریخ ۲۸ قوس در نشست کابینه‌ی ایالتی، امر اخراج مهاجران افغان را در مدت یک‌ماه آینده از آن ایالت صادر کرد. سخنگوی وزارت





## خبرنگار واروازی

هادی دریایی

### بیا باید انقلاب کنیم!

ما بشریم. بشر تاریخ دارد. تاریخ بشر، چند تا انقلاب بزرگ و هزاران انقلاب کوچک دارد. انقلاب در تاریخ معمولاً زمانی اتفاق افتیده که ثروت و آسایش را یک عده‌ی محدود در کنترل‌شان درآورده و رنج و درد را بر اکثریت تحمیل کرده‌اند. افغانستان هم حالا درست نیاز به انقلاب دارد. منظور از انقلاب این نیست که سنگ و چماق یا تفنگ و توپ برداریم و به جان هم بیفتیم یا شروع کنیم به سلاخی قدرت‌مندان که آسایش و نعمت را در انحصار خویش درآورده و هر روز سیاست و قانون جدیدی را برای استثمار بقیه طرح و اجرا می‌کنند. بلکه منظور ما انقلاب نرم است. در حال حاضر، ذهنیت اجتماعی ما مریض و ناقص است. تغییر ذهنیت، شرط اساسی برای بسترسازی به‌سوی تحول و تغییر است. ذهنیت ما تغییر نمی‌کند، مگر این‌که نتیجه‌ی کار و تلاش را لمس کنیم. اگر منتظر بنشینیم و چشم به رهبران و ثروت‌مندان سیاست‌ساز بدوزیم، ایدا اگر کاری صورت بگیرد و نتیجه‌ای بیرون آید. منظور از کار این نیست که مثلاً ما از فردا به ساختن طیاره و موشک‌های بالستیک شروع کنیم، بلکه منظور از کار، انجام کار با ذهنیت کاری و برای نتیجه است. مثلاً اگر زمین داریم، تلاش کنیم زمین را پر کنیم، هرچیزی مطابق به خصوصیات جیولوژیکی و اقلیمی بکاریم، الا خشکاش و هر آنچه مطابق قانون و شرع حرام اند. همیشه در صدد گرفتن بهره‌ی بیش‌تر از زمین خویش باشیم. برای محصولات زراعتی خویش بازار ایجاد کنیم، بازار کوچک محل خویش را به بازارهای بزرگ‌تری وصل کنیم. اگر معلمیم، حین این‌که چشم به معاش داریم، تلاش مضاعف برای آموختاندن داشته باشیم. هرگز به خود اجازه ندهیم که پسر فلانی جنرال یا دگروال را اول نمره‌ی صنف بسازیم. اگر لیاقت داشت که حق مسلمش است و اگر اهل درس و آموزش نبود، گور پدرش که جنرال است یا دگروال یا هر مقام دیگری. خلاصه هر کاره‌ای که هستیم، باید کارمان نتیجه داشته باشد. چشم به این رهبران پیفوز نداشته باشیم. این‌ها اگر خیلی مرد شوند، روی فرزندان خویش سرمایه‌گذاری کرده و آن‌ها را به‌جایی برسانند. آن‌هم به شرطی که میان دختر و پسرشان تفاوت قایل نشوند. با آن‌ها قطع ارتباط کنیم. زندگی شاید از این ذلت‌بارتر نشود که جنگ، جنگ رهبران باشد؛ اما آن‌که می‌سوزد، مردمی باشند که هم و غم روزانه‌ی‌شان، پیدا کردن لقمه نانی برای زنده ماندن باشد. ما فعلاً همین‌گونه هستیم. زندگی اکثریت، زندگی ذلت‌باری است. اکثریتی که هیچ نقشی در بدبختی‌ها و ناامنی‌ها ندارند؛ اما هر روز از آن‌ها قربانی گرفته می‌شود. دقیقاً به همین خاطر است که نیاز به انقلاب داریم. ولی پیش از آن، باید از هفت‌خوان تعصب و غیرت بی‌جای خویش بگذریم. هزار سال دیگر هم اگر در بند قبیله و قوم و مذهب خویش باشیم، هزار سال دیگر، رهبر وجود خواهد داشت و همیشه برتر خواهد بود. هزار سال دیگر مجبوریم هر روز فدای مصلحت‌های برتران جامعه شویم. توقع نداشته باشیم که زن رهبر، رهبر آینده‌ی ما را نزاید. زن وزیر، وزیر آینده را نزاید و همین‌طور، یک عده دست از زاینده‌ی رئیس‌جمهور بردارند. تا ما بندهای بافته‌شده را پاره نکنیم، یک عده برای همیشه رهبر خواهند آورد و یک خواهند زاینده، یک عده برای همیشه رهبر و سالار زندگی جامعه باقی خواهند ماند. پس برای یک انقلاب واقعی، نیاز به آزادی از بندهای بافته شده در باورهای افراطی مذهبی و قومی-تباری داریم. نمی‌گویم مذهب، بندی است که نیاز به گسستن دارد. بلکه در هر مذهب و آیینی که هستیم، شهامت پذیرش دیگران را داشته باشیم. تعدد مذاهب از بین رفتنی نیست، چه بسا آدم‌هایی هستند که زندگی و عمر خویش را در باطل ثابت کردن یک مذهب یا مذاهب دیگر سر می‌کنند. اتفاقاً همین آدم‌ها انگل‌های جامعه اند و فرصت استثمار و استثمار را برای یک عده‌ی فرصت‌طلب چیزفهم را فراهم می‌کنند و نتیجه، آن می‌شود که ما رنجش را هر روز، هر ساعت و هر ثانیه می‌کشیم و آه هم از نمان ما نمی‌براید. البته باید عرض کنم که ما گرفتار بزرگانی شده‌ایم که نه تنها آسایش و راحتی‌های زندگی را انحصار کرده، که زمینه‌ی به آسایش رسیدن بقیه را هم هر روز تنگ و تنگ‌تر می‌کنند. این‌که می‌گویم بزرگان، به معنای واقعی کلمه نیست. آن‌هایی که داعیه‌ی رهبری ما را دارند، نه تنها بزرگ نیستند، که پست و بی‌شرف هم هستند. منافع مشترک آن‌ها، تنها سیاست درستی است که در کشور تعقیب و تقویت می‌شود. در هیچ جای منش سیاسی آن‌ها، خیر و صلاح مردم تعریف نشده و در هیچ کجای زندگی این درپوزه‌ها، خیر عمومی مطرح نبوده و دلیل همه‌ی این نارسایی‌ها، تا این‌جای کار، خود ما بوده‌ایم که فهمیده یا ناهم‌فهمیده، به آن‌ها خدمت کرده و یاری رسانده‌ایم. این روزها انتحاری، طالب، وزیر، وکیل، جنرال، قوماندان، منتفذ قومی، معاون و رئیس همه مانع زندگی اند. نه در ساحه‌ای که وزیر است زندگی وجود دارد و نه در جایی که طالب برسد زندگی می‌شود. دلیلش هم واضح است، ما سُستیم!

# عبدالله و غنی، پاروزنان یک‌قایق سرگردان

کمال اسماعیل (رویش)



که سیاست‌های داخلی و خارجی ما تا چه حد رنگ و بوی قومی و تباری داشته‌اند. حاکمان با رویکرد قومی سیاست کرده‌اند و فرهنگ و زبان اقوام دیگر را منافی ارزش‌های ملی تلقی کرده‌اند. این رفتار ناشیانه سبب تحریک احساسات قوم‌گرایانه در کشور گردیده که همگی در صدد انتقام و مسلط ساختن ارزش‌های قومی خود به‌نام ارزش‌های ملی می‌باشند. با مطالعه‌ی تاریخ سیاسی افغانستان، نمی‌توانیم نظامی را در این سرزمین سراغ داشته باشیم که مبتنی بر ارزش‌های دنیای جدید بنا شده باشد؛ تمامی رژیم‌های افغانستان عدالت‌محور و ملی‌گرا نبوده‌اند. برخلاف حاکمان قدیم که ریشه‌ی قدرت را آسمانی و الهی می‌دانستند و خود را نماینده‌ی خدا و حاکم مطلق بر مردم تلقی می‌کردند، با آمدن مدرنیته، مشروعیت حکومت‌ها بر اساس رضایت مردم استوار گردید. شکل‌گیری احزاب و سازمان‌های اجتماعی به مردمی شدن قدرت کمک می‌کند. دنیای سیاست عاری از تنش و تضاد نیست، بلکه دنیایی است که در آن رقابت وجود دارد؛ اما رقابت‌ها در چوکات هنجارهای دموکراتیک باید صورت بگیرند. در افغانستان سیاست کردن این‌گونه نیست. طی یک دهه‌ی اخیر امید می‌رفت که رفتار سیاست‌مداران حول منافع ملی بچرخد؛ ولی با تأسف که این دوره با تمام خوبی‌ها و فرصت‌های آن از دست رفت. هزینه‌های هنگفت، چه از منابع داخلی و چه کمک‌های خارجی، بدون بهره‌برداری درست، به کام مافیاهای داخلی و بین‌المللی فرورفت. پایان کار حکومت حامد کرزی با ورشکستگی مالی پایان یافت و نوبت به حکومت وحدت ملی رسید. اما دولت جدید نیز با چالش‌های فراوانی مواجه است. رهبری این حکومت، سخت و دشوار به نظر می‌رسد؛ چون این حکومت و صلاحیت‌های آن، میان رئیس دولت و رئیس اجرایی به‌خوبی تعریف نشده است. از آغاز این حکومت تاکنون ناهم‌سویی و ناهم‌سامانی‌های زیادی در رفتار هردو رهبر پیداست. به‌درازا کشیده شدن تشکیل کابینه، خود نمایانگر ناهم‌آهنگی و اختلاف بر سر تصمیم‌گیری‌هاست. این اختلاف‌ها در شرایط دشوار و غیرنرمال به‌شدت شکننده و هزینه‌بر اند. عبدالله و غنی برای حکومت‌داری خوب باید تمامی نیروهای خود را نه برای تضعیف یک‌دیگر، بلکه برای یاری هم در جهت تحقق اهداف مشترک به‌کار اندازند. هردو رهبر نیاز دارند دست از تخریب و تحریک احساسات منفی علیه یک‌دیگر بکشند، وگرنه به دو پاروزنی می‌مانند که سوار بر یک قایق اند؛ اما با تمام توان خلاف یک‌دیگر پارو می‌زنند.

شرکت‌های غربی نگاه کنیم، لازم است که این بصیرت را به‌کار اندازیم تا بفهمیم این نیرو پیش از آن‌که تکنولوژیکی باشد، حاصل نظام همکاری جمعی است. در تکنیک بیلز به روابط انسان‌ها از دو بعد نگاه می‌شود: (۱) آیا روابط کلامی و شناختی انسان‌ها در جهت کمک و تکمیل متقابل است تا در جهت خنثاسازی و تخریب؟ (۲) آیا آن‌ها در روابط خود با یک‌دیگر رفتاری دارند که باعث تحریک احساسات شود یا نه؟ و اگر دارای بعد احساسی است، آیا این تحریک در جهت منفی و تخریب است یا در جهت نزدیکی و دوستی؟ گروه‌های اجتماعی وقتی پیوندشان قوی‌تر می‌شود که رفتار اعضای آن دارای بعد مثبت باشد و این دقیقاً چیزی است که در جامعه‌ی ما به‌شدت مورد نیاز است و ما درست در جهت عکس آن حرکت می‌کنیم. به باور من، در کل، در کشورهای جهان سوم و به‌خصوص در کشور ما افغانستان، ذهنیت آدم‌ها در جهت منفی آماده‌ی هرنوع کنش است، ولی در جهت مثبت کسی این زحمت را به‌خود نمی‌دهد. در جامعه‌ی ما تضاد تبدیل به یک عنصر قوی فرهنگی گردیده که بیش‌تر توانایی و وقت افراد را صرف بدگویی و تخریب یک‌دیگر می‌کند. اختلاف‌های گوناگون قومی، زبانی و مذهبی در سراسر کشور وجود دارند. مقام‌های سیاسی-اجتماعی حتا اشخاص عادی را در دام خود گرفتار کرده‌اند. طی چند دهه جنگ‌های داخلی مردم افغانستان نه تنها طعم تلخ بی‌آمانی و مهاجرت را چشیده‌اند، بلکه امید به آینده و اطمینان از مردم گرفته شده است. بی‌اعتباری ناشی از درگیری‌های داخلی و نفوذ عوامل بیرونی موجب افول هویت واحد سیاسی ما و تحریک خرده‌هویت‌های قومی و نژادی در کشور گردیده است. به باور من، تقصیر از مدیران و کارگزاران حکومتی ماست. ما برای ملت شدن و داشتن هویت سیاسی واحد نیاز به داشتن اراده‌ی هم‌دیگر‌پذیری داریم و این مهم را زمانی به‌دست می‌آوریم که تمام گروه‌های اجتماعی و سیاسی با هم‌دیگر همکاری کنند و منافع عمومی و منافع ملی را نسبت به منافع شخصی ترجیح و اولویت دهند. به این صورت، ما می‌توانیم جامعه‌ی چندقومی و چندفرهنگی خود را متحد و یک‌پارچه سازیم. لازمه‌ی این امر، اراده‌ی قاطع سیاسی دولت‌مردان و کارگزاران سیاسی ما می‌باشد؛ چون رفتار سیاسی و تحولات سیاسی بی‌گمان تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از جانب دیگر، انسجام، هم‌آهنگی و هم‌سویی آن‌ها الگویی برای هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در میان اقشار می‌شود. شوربختی ما افغان‌ها در بی‌کفایتی و ناتوانی رهبران و زعیمان سیاسی ماست. با نگاه به گذشته پی می‌بریم

حکومت وحدت ملی بعد از ماه‌ها کشمکش‌های انتخاباتی، با تقسیم پنجاه-پنجاه قدرت میان دو رقیب پیش‌تاز به‌وجود آمد. سرانجام اشرف غنی به عنوان رئیس‌جمهور و عبدالله عبدالله به عنوان رئیس اجرایی حکومت وحدت ملی انتخاب شدند. در تاریخ افغانستان این اولین بار بود که انتقال قدرت از یک رئیس‌جمهور به رئیس‌جمهور دیگر به‌طور مسالمت‌آمیز و بدون اقدام خشونت‌آمیز صورت گرفت. واجدین شرایط رای، زن و مرد، مشتاقانه به‌پای صندوق‌های رای رفتند و از رای‌شان به‌نفع نامزد مورد حمایت‌شان استفاده نمودند. اما تقرب و به‌درازا کشیده شدن انتخابات، شور و شوق مردم را به یأس و ناامیدی مبدل ساخت. پروسه‌ی انتخابات با هفت ماه تأخیر، پرچالش‌ترین انتخابات جهان شناخته شد. مردم افغانستان هراس از بازگشت به وضعیت دهه‌ی هفتاد و ترس از جنگ داخلی را داشتند. هردو رقیب انتخاباتی و هواداران‌شان در جریان انتخابات از روش تخریبی علیه هم کار گرفتند. چنین رویکردی در یارگیری‌ها و مبارزات انتخاباتی نه تنها به نهادینه شدن فرهنگ دموکراتیک در افغانستان کمک نکرد، بلکه منجر به ایجاد شکاف‌های عمیق بر اساس قطب‌بندی‌های سیاسی، اجتماعی، قومی و زبانی گردید. پرسش این است که ریشه‌ی جامعه‌شناختی چنین رفتارها کجاست و به کدام عوامل بستگی دارد؟ بیلز، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه هاروارد ایالات متحده‌ی آمریکا، تکنیکی را به‌نام «تکنیک تحلیل کنش متقابل» در روش تحقیق علوم اجتماعی معرفی کرده است. در این تکنیک آقای بیلز به انسان‌ها می‌آموزد که رفتارشان نسبت به انسان‌های دیگر چگونه باشد تا حاصل آن، دشمنی متقابل نه، بلکه دوستی و الفت باشد. افرادی که این روش را از بیلز بیاموزند و به‌کار بندند، دشمنان کم و دوستان زیادی را به‌دست می‌آورند و از طریق آن صاحب یک سرمایه‌ی اجتماعی وسیع می‌شوند. از طرف دیگر، با استفاده از این روش، تضادها در جامعه کاهش می‌یابند. این تکنیک به گروه‌های مختلف سیاسی-اجتماعی می‌آموزاند که چگونه می‌شود به اهداف مشترک دست یافت. لذا بهتر است که نیروی‌شان را بر ضد یک‌دیگر مصرف نکنند، بلکه نیروها را در مدد یک‌دیگر و در جهت اهداف مشترک به‌کار بندند. بیلز در واقع یک پتانسیل اجتماعی را برای پیوند، استحکام و انسجام اجتماعی معرفی کرده است. با نگاهی به تغییرات و بالندگی دنیای غرب و به‌خصوص ایالات متحده‌ی آمریکا، شاهد این واقعیت هستیم که موفقیت کشورهای غربی در به‌کارگیری همین نوع پتانسیل اجتماعی بوده است. اگر به تولیدات انبوه





مهدی زرتشت

# مسکو

## افغانستان در نگاه

## افغانستان؛ پایان یک تاریخ یا آغاز یک پایان؟

سرگئی مارکینونوف – دانشگاه دولتی علوم انسانی روسیه

منبع: صدای امریکا (صفحه‌ی روسی)

### بخش نخست

در این روزهاست که متوجه می‌شویم، آن‌چه روزی کارشناسان، روزنامه‌نگاران و سیاستمداران ماها نوشتند، به یک واقعیت تبدیل شده است. سخن در مورد اتمام عملیات ناتو در افغانستان است. هیچ کم‌وکاستی در فرضیه‌ها موجود نبود. در این ارتباط، تشابه میان سال ۱۹۸۹ (زمانی که خروج نیروهای شوروی اتفاق افتاد) و آینده‌ی غیرقابل پیش‌بینی برای یکی از آشفته‌ترین کشورهای اوراسیا است که در مقالات و گزارش‌ها به آن پیش‌بینی شده بود و انعکاس عادی داشت. هشتم دسامبر ۲۰۱۴ درست همان زمانی بود که بحث‌های طولانی در مورد آن صورت گرفت.

عملیات جنگی ائتلاف غربی (که در آن ایالات متحده‌ی امریکا نقش رهبری را بازی کرد) عملاً به پایان خود رسیده است. در طول مراسم انتقال مسئولیت‌های امنیتی در کابل، پرچم نیروهای جهانی باری امنیت افغانستان (آی‌اس‌اف) از امریکا جدا شد. آن‌گونه که به اقدامات فوری نیار بود، برنامه‌ریزی شد که قبل از شروع سال ۲۰۱۵، در حدود یازده هزار سرباز امریکایی در افغانستان باقی بمانند. تا پایان سال آینده تعداد آن‌ها باید حداقل دو برابر کاهش یابد. نتایج نهایی عملیات ناتو در افغانستان را بعدها تاریخ‌نگاران در قید قلم خواهند آورد. عجله برای این موضوع (اگر به‌جای یادآوری از دست‌آورد‌های کوچک، موضوع عمیق‌تر تحلیل شود) درست نیست. با این حال، بخشی از نتایج این عملیات درازمدت را می‌شود در زمان حاضر نیز گوشزد نمود.

اول، عملیات نظامیان امریکایی در جنگ افغانستان، پس از جنگ جهانی دوم، یکی از طولانی‌ترین عملیات نظامی امریکا نامیده می‌شود. با اتکا به این معیار، می‌توان این عملیات درازمدت را با جنگ در ویتنام مقایسه کرد. اساساً جنگ ویتنام طولانی‌ترین رویارویی دو بلوک در دوران «جنگ سرد» بود.

دوم، این جنگ با از دست دادن تعداد قابل توجهی از زندگی افراد [نظامی و غیرنظامی] همراه بود. در تمام سال‌های مداخله‌ی نظامی در افغانستان، امریکا بیش از دو هزار سرباز و افسر نظامی خود را از دست داد.

سوم، اهداف و مسایل اصلی و اساسی این عملیات را نمی‌توان پایان یافته تلقی کرد؛ زیرا طالبان هنوز شکست نخورده‌اند. برعکس، تعداد حملات آن‌ها افزایش یافته، این بخشی از واقعیت است. در حالی که حداکثر کارشناسان به این باور اند که توان اسلام‌گرایان را در حد قابل توجهی کاهش داده است. از لحاظ این‌که آن‌ها دوباره به قدرت برگردند، یا به قدرت برسند، هیچ‌کس نمی‌تواند آن‌ها را نادیده بگیرد.

یک دولت قوی و یک سازمان هدف‌مند، بر اساس یک معیار، در طول سیزده سال گذشته ساخته نشد. با این حال، می‌توان چنین فرض کرد که این مشکلات در طول سال‌ها حل نشده باقی مانده و یک‌بار مشکلات است که به‌طور معجزه‌آسا و به لطف تلاش‌های واشنگتن و بروکسل حل و فصل شوند.

در واقع، امروز دولت کابل ترجیح می‌دهد که از همان روش شناخته شده‌ی نجیب‌الله (گفت‌وگوی منطقه‌ای) برای کسب وفاداری استفاده کند. به هر حال، تلاش‌ها صورت می‌گیرند، نه بر معیار دلایل تاکتیکی و استراتژیک.

تابه‌حال تهدید مواد مخدر نه تنها برای کشورهای همسایه‌ی افغانستان، بلکه برای کل جهان خطرناک محسوب می‌شود. افغانستان بازار بزرگ و منشا مواد مخدر است. در واقع، هیرویین افغانستان که در بازار مصرف کنندگان بیش‌تری دارد، منجر به اختلافات گسترده میان روسیه و اروپا شده است. بنابراین، با وجود لفاظی‌های خوش‌بینانه مبنی بر این‌که گویا افغانستان با دموکراسی، به پیشرفت‌های قابل توجهی رسیده است؛ اما واضح است که مشکل این کشور در طول یک و نیم دهه، اصلاً از بین نرفته است. این مشکلات تا امروز هم‌چنان باقی مانده است.

در عین حال، دلایلی برای رضایت از حل مشکلات امریکا و ناتو نمی‌توان ارائه کرد؛ اگر ما رویکرد مهم توسعه‌ی استراتژیک اوراسیا را بدون هیچ دلایلی خوش‌بینانه نگاه کنیم، افغانستان هنوز هم به عنوان یک چالش خطرناک برای روسیه، سر جای خودش باقی است. بر اساس اطلاعات رسمی از سوی سرویس فدراسیون روسیه برای کنترل مواد مخدر (ФСРН)، هیرویین افغانستان همه‌ساله دو برابر آنچه که سربازان شوروی در طول ده سال جنگ (۱۹۷۹-۱۹۸۹) کشته دادند، اکنون از این کشور قربانی می‌گیرد. اگر به نتایجی که کارشناسان به‌دست داده‌اند، نگاه کنیم، می‌بینیم که ۴۰ درصد (بدون در نظر گرفتن اعشاریه) تریاک افغانستان به فدراسیون روسیه وارد می‌شود.

آیا خروج نیروهای ایالات متحده‌ی امریکا و ناتو کمک می‌کند تا کشورهای اوراسیا خود را از دام این رهایی بخرشد؟ سؤالی که حل آن ساده نیست و پاسخ روشن ندارد. درست شبیه آن‌چه که بخواهیم در مورد چشم‌انداز گسترش اسلام‌گرایی (اسلام رادیکال) سؤالی را مطرح کنیم. برای این‌که این مسئله، با موضوع ژئوپلیتیکی هیچ ارتباطی نمی‌گیرد. در سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ ایده‌ی جهادگرایی افغانستان (به‌خصوص در طول جنگ‌های داخلی ۱۹۹۷-۱۹۹۲) در تاجکستان، ازبکستان و قرغیزستان نیز نفوذ کرده است. دروغ است که باور کنیم که این فرایند توسط عملیات ناتو در سال ۲۰۱۴ متوقف می‌شود.

ادامه دارد...

## افغانستان؛ جغرافیای مواد مخدر

منبع: مجله‌ی ROLLINGSTONE

نویسنده: MATTHIEU AIKINS

برگردان: اقبال غرجی

### بخش دوم

منطقه‌ی مرزی بلوچستان میان افغانستان، پاکستان و ایران یکی از غیرقانونی‌ترین راه‌های روی زمین است. این منطقه دارای صحرای و کوه‌های است و ۲۰۰ هزار مایل مربع مساحت دارد. اقوام بلوچ و پشتون از ساکنان این منطقه اند، مجهز به سلاح‌های سنگین می‌باشند و قرن‌ها در انواع مختلف قاچاق دست داشته‌اند. بعضی از آن‌ها به‌طور عادی همکار دولت اند؛ در حالی که تعداد دیگر آن‌ها با ترکیبی سردرگم با گروه‌های شورشی پیوند دارند. شورشیان بلوچ سکولار به‌دنبال استقلال از پاکستان می‌باشند. گروه سنی‌های ضدایران که صف‌های بزرگی از اسلام‌گرایان شورشی، به‌شمول طالبان را تشکیل می‌دهند، در این نواحی سکونت دارند. این جا پناه‌گاه طبیعی برای فعالیت‌های غیرقانونی است.

بهرامچہ مرکز این جاست، مرکز فعالیت‌های قاچاق بران در بخشی از مرز افغانستان در تپه‌های چیگی، ۱۵۰ مایل به طرف جنوب و از سال ۲۰۰۱ به این سو تحت حاکمیت دولت افغانستان نمی‌باشد. این‌جا یک مرکز مهم و مناسبی برای بیش‌ترین تجارت تریاک است. محصولات دهقانان مانند میزبان خان توسط تاجران محلی به محصولات بزرگ‌تر تبدیل می‌شوند - از چندین صد پوند به چندین تن می‌رسد - و در بهرامچہ به قاچاق‌چیان ایرانی و پاکستانی به فروش می‌رسند و آن‌ها تریاک را به خارج انتقال می‌دهند. معامله‌های بزرگ بین گروه‌های قابل اعتماد صورت می‌گیرند و پول از راه غیرقانونی حواله که به نحوی شست‌وشوی پولی است و بر ارزش‌های جهانی تأثیر دارد، ارسال می‌گردد. یک طرف معامله پول را به حواله‌دار پرداخت می‌کند و شماره‌ی تیلیفونش را به طرف دیگر معامله می‌دهد و آن را کدگذاری می‌کند و به حواله‌دار که در یک کشور دیگر با یک قاره‌ی دیگر است، تماس می‌گیرد و سپس دریافت کننده از دریافت پول خبر می‌دهد. حساب‌ها این‌گونه اجرا می‌شوند.

بهرامچہ به گونه‌ی مشترک توسط طالبان و قاچاق‌چیان قدرت‌مند اداره می‌شود، حاجی جمعه خان از جمله‌ی یکی از قاچاق‌چیان برجسته‌ی مواد مخدر است که در سال ۲۰۰۸ در جاکارتا دستگیر شده بود. حالا، برادرش حاجی شرف‌الدین جانشین برادرش شده و نقش مهمتری را در بین قاچاق‌چیان شهر به عهده دارد. این در حالی است که طالبان وضعیت امنیتی این‌جا را وخیم می‌سازند. سمیع می‌گوید، «طالبان در آن‌جا دادگاه تشکیل داده‌اند که به مشکلات مردم رسیدگی کنند. وضعیت امنیتی برای مردمی که در آن‌جا زندگی می‌کنند، خوب است».

زمانی بهرامچہ مجموعه‌ای از ترکیبات گل جداره‌دار بود؛ اما این روزها با وجود حملات هوایی امریکایی‌ها و نیروهای افغان، مردم آخرین مدل موترهای لند کروزر را سوار می‌شوند. این منطقه بسیار دوردست است، یک عضو نخه‌ی کماندوی افغانستان که برای چندین بار همراه نیروهای بحری و قوای خاص بریتانیا به آن‌جا رفته است، می‌گوید، «در آن‌جا یک شهر کوچک وجود دارد که به‌نام قریه‌ی جاجی JMK مشهور است. قریه‌ی جاجی JMK این‌جا، مانند شیرپور [کابل] است»، وی با اشاره به محله‌ی پرزوربورق «کاخ خشخاش» که در کابل موقعیت دارد، می‌گوید که این کاخ توسط رهبران جهادی کشور ساخته شده است. «آن‌ها همه‌چیز، به‌شمول جنراتور، لوازم و موترهای مدل بالا در آن‌جا دارند. ما از داخل یخچال‌هایی که در آن‌جا وجود داشت، بستنی می‌گرفتم».

او برابیم گفت در جریان حمله‌های نیروهای افغان و امریکایی، ساکنان بهرامچہ به نزدیکی‌های مرز پاکستان فرار می‌کنند. در آن‌جا قوای پاکستان در حال آماده باش قرار می‌گیرند تا این‌که نیروهای امریکایی منطقه را ترک کنند. او با اشاره به شبکه‌ی اطلاعاتی پاکستان می‌گوید، «شبکه‌ی اطلاعاتی پاکستان (آی‌اس‌آی) و قاچاق‌چیان با هم‌دیگر دارای ارتباط مستحکم می‌باشند» و سمیع نیز ادعای مشابهی در باره‌ی رهبریت بهرامچہ داشت. او می‌افزاید، «قاچاق‌چیان بر آن طرف مرز، یعنی پاکستان نیز خانه دارند.» (شبکه‌ی اطلاعاتی پاکستان هرگونه ارتباط با طالبان و قاچاق‌چیان مواد مخدر را رد می‌کند).

سازمان ملل برآورد کرده است که طالبان از قاچاق تریاک و فعالیت‌های دیگر میلیون‌ها دلار را به‌دست می‌آورند. اما این‌که گفته می‌شود افغانستان از تجارت تریاک ۳ بیلیون



۲۰۰۲ آزمایشگاه هیروین ساخته بود، ملاقات کردم. او راه درازی را پیموده بود تا تجارتش را تا این سطح رونق دهد. چه‌رهی نوسانی گلگون و خرمارنگ سلیم شباهت با برادر کوچک ستا، تاجر مواد مخدر داشت. او که در باره‌ی تصمیمش که چرا این تجارت را آغاز کرده است، گفت، «تریاک زحمت‌کشی‌های بسیار دارد و مفادش اندک است». او و دیگر تاجران تریاک طوری به نظر می‌رسند که در یک دنیای جداگانه از جنگ زندگی می‌کنند. وقتی پول‌ها هم‌ماش حساب شدند، با خنده گفت، «من هرجا، چه تحت حاکمیت طالبان باشد و چه دولت، کار می‌کنم. در بعضی جاها، پسته‌های امنیتی طالبان را از کارخانه‌ی خود می‌بینیم. زمانی که در مناطق تحت کنترل دولت هستیم، به مقام‌های ساحه‌ای پول پرداخت می‌کنیم».

سلیم هیرویین را به تاجران ایرانی مواد مخدر در نیمروز که یک ولایت بزرگ و صحرایی در جنوب هلمند است، به فروش می‌رساند. مانند قاچاق‌چیان دیگر، وی نیز از زنجیره‌ی صحبت می‌کند که مقام‌های دولتی و پولیس نیز با گرفتن رشوه در تجارت مواد مخدر نقش دارند. در بندر آخری ایران که برای قاچاق‌چیان مشکل‌ترین مکان است و ایرانی‌ها با قاچاق‌چیان بران درگیر می‌شوند، پولیس به نمایندگی از قاچاق‌چیان بران مواد را انتقال می‌دهد. سلیم می‌گوید، «با بعضی از آدم‌های دولتی صحبت می‌کنیم. آنان مواد مخدر را به مرز انتقال می‌دهند و قاچاق‌چیان ایرانی هم چنین فردی را در مرز دارند که منتظر است».

در پنج سال اول خطرها اندک بودند و تجارت رونق خوبی داشت. اما خجالت بین‌المللی از تولید پررونق تریاک افغانستان باعث شد که سازمان‌های اجرای قانون؛ مانند سازمان مبارزه با مواد مخدر امریکا (DEA) در کابل آغاز به فعالیت کنند. بریتانیایی‌ها که به عنوان بخشی از ناتو در ولایت هلمند مأموریت داشتند، در سال ۲۰۰۵ بعد از این‌که در یک بازرسی نه تن تریاک و هیرویین را از خانه‌ی شیر محمد آخوندزاده، والی هلمند کشف کردند، پافشاری داشتند که کرزی وی را از مقامش برکنار کند. (آخوندزاده ادعا می‌کرد که وی مواد مخدر را از قاچاق‌چیان ضبط کرده و قرار است آن را نابود کند). رویارویی جامعه با مواد مخدر از یک طرف، کرزی و دولت افغانستان در سوی دیگر؛ اما نیروی سوم به‌زودی وارد بحث می‌شود. جنرال‌های پنتاگون در باره‌ی عملیات‌های نیروهای‌شان علیه قاچاق مواد مخدر، معلومات ارائه نکردند.

یک ویژگی افغانستان به عنوان جغرافیای مواد مخدر، این است که چگونه می‌شود رویاه را نگهدارند مرغانچه انتخاب کرد. یک حمل‌کننده‌ی مواد مخدر که در ولایت هلمند دستگیر شده بود، یک نامه‌ی عبور با خود داشت که توسط رییس پولیس مبارزه با مواد مخدر افغانستان، جنرال محمد داوود داوود امضا شده بود. عزت‌الله وافی، یک متهم به قاچاق هیرویین توسط رییس جمهور کرزی منحیت رییس اداره‌ی مبارزه با فساد به کار گماشته شده بود. شوچ، یک مقام امریکایی نوشته است، «کرزی با ما مانند یک کمانچه بازی می‌کند».

در جنوب کشور که مملو از مواد مخدر است، علاوه بر آخوندزاده، آقای کرزی به برادرش، احمد ولی کرزی، نیز اعتماد داشت و وی به عنوان والی قاطع ولایت قندهار ایفا‌ی وظیفه می‌کرد. ولی که سال‌ها در این سمت کار کرد، نقش محوری در تجارت مواد مخدر در زون غرب افغانستان داشت. او در سال ۲۰۱۱ ترور شد. او ادعا می‌کرد بی‌گناه است؛ اما دلیل قانع‌کننده‌ی نداشت. در سفرم به قندهار و هلمند چنین حرف‌هایی را علیه افرادی که در قاچاق مواد مخدر دست دارند، از منابع افغانی و امریکایی شنیدم. به گفته‌ی آن‌ها، ولی کرسی ریاست این شهر را اشغال کرده بود و مقام‌های فاسد را در موقف‌های کلیدی جهت حفاظت از پرداخت‌های غیرمشروع گماشته بود. یک مقام بخش قضایی اسبق امریکا در افغانستان با تجاربی که داشت، گفت، «این روند است که توسط آن کارهایی که جرم پنداشته می‌شوند، تنظیم می‌شوند. من نمی‌خواهم بیش‌تر از آن بدانم...»

یک مقام پولیس افغانستان با اشاره به سرکی که به این ولایت وصل می‌شد، برابیم گفت، «باسگاه امنیتی کلیدی پولیس در این شاهراه توسط احمد ولی اداره می‌شد. وی افزود، بیست شریک یک‌جا می‌شوند... ادامه در صفحه ۵



# چهارگانه

یادداشت‌های سخیدادهااتف

## چشم «سیا» داری

سازمان سیا که نمی‌دانم چیست و چه رنگی است، گفته که کشتن رهبران طالبان هیچ فایده‌ای نداشته. لعنتی‌ها نتایج پژوهش‌های علمی خود را وقتی منتشر می‌کنند که ده نفر در پایتخت ملت شهیدپرور ما خود را به آب و آتش می‌زنند که همین حرف‌ها را به مردم بفهمانند. مگر آقای کرزی چه می‌گفت؟ همین را می‌گفت دیگر. سال‌ها سعی کرد به چشم‌آبی‌های سیاه‌دل بفهماند که طالبان برادران ما نیستند و تا خوب نزدیک در کنارشان ننشینی، اصلاً بو نمی‌دهند، چه رسد به این که روده‌های خود را بر سر و رویت بیفشانند. خوبی این گزارش «سیا» در این است که مثل برادر وطن‌پرست ما فاروق وردک نمی‌گوید که طالبان اصلاً وجود ندارند. می‌گوید، کشتن رهبران‌شان کار خوبی نیست. انتشار این گزارش «سیا» تا این‌جا مشکلی ندارد. هیچ‌کس تشنه به خون رهبران گروه طالبان نیست. مشکل از آن‌جا ممکن است شاخ و برگ پیدا کند و جنجال ساز شود که این سازمان محترم در روزها و هفته‌ها و ماه‌های آینده به تدریج بخش‌های دیگری از یافته‌های علمی خود در افغانستان را نیز منتشر کند. ما هم که روی‌مان نازک است و مخصوصاً در مقابل یافته‌های علمی سازمان سیا نمی‌توانیم مقاومت کنیم. تصور کنید که این سازمان فردا گزارشی در این زمینه منتشر کند که محاکمه کردن متهمان کابل بانک نه تنها فایده ندارد، که اقتصاد لرزان مملکت را به شدت آسیب می‌زند. آن وقت، رییس جمهور ما - که خود یکی از عاشقان تحلیل و پژوهش علمی است - تصمیم می‌گیرد که دیگر گرد مسئله‌ی کابل بانک نگردهد. چرا که اگر در این مملکت شهیدافزا یک نفر باشد که به علم و نتایج تحقیقات علمی ارزش بدهد، رییس جمهور فعلی ماست. یا تصور کنید که سازمان سیا نتیجه‌ی یک تحقیق مفصل ده ساله‌ی خود را منتشر کند و در آن روشن شده باشد که چنانچه توازن قومی زندانیان بگرام به‌زودی برقرار نشود، افغانستان هشتاد سال از کاروان توسعه‌ی اجتماعی عقب خواهد ماند. یا تصور کنید که نتایج تحقیقات سیا نشان بدهند که اگر اسم مشاور آدم زاخلوال باشد، میزان رشد اقتصادی کشور از ۵ درصد به ۶۷ درصد بالا خواهد رفت. این‌ها روز ما را سیاه خواهند کرد. نه این‌که ما با کسی دشمنی داشته باشیم یا به احدی حسادت کنیم. برعکس، نگرانی ما از این است که مثلاً در مملکت خود به حد کافی قوم نداشته باشیم که در زندان بیندازیم‌شان تا توازن محبس درست شود. یا دزدهای ما در حد کابل بانک دل و گرده نداشته باشند. یا خودتان فکر کنید، چند نفر زاخلوال داریم که مثل امام زمان هزار و چهار صد عمر کنند؟ این.

## گام‌های کوچک در روابط افغانستان و پاکستان



با وجود میزان بالای ناراحتی در میان افغان‌ها، پیام غنی در صحبت با بی‌بی‌سی در جریان کنفرانس اخیر لندن، خوش‌بینانه بود.

اشرف غنی مطابق به وعده‌های انتخاباتی‌اش، تلاش‌هایی را در راستای ایجاد چارچوب اصلی تأمین صلح در کشور راه‌اندازی کرده است. استفاده از یک پارچگی اقتصادی منطقه‌ای به عنوان اساس اعتمادسازی میان افغانستان و پاکستان، استراتژی اصلی غنی برای تأمین صلح است. این اتفاقی است که غنی و نواز شریف، نخست‌وزیر که پس‌زمینه‌ی تجاری دارد، هر دو از نقش اقتصاد در افزایش اعتماد دوجانبه تقدیر می‌کنند. بنابراین، زمان آن فرارسیده است تا جیواکونومیک به‌طور قسمی جانشین جیوپلیتیک شود تا اشتراکات به منظور روابط خوب همسایه‌داری فراهم شوند.

این‌که پاکستان چه اندازه از نفوذ بر طالبان برای آوردن آن‌ها به میز گفت‌وگوها با حکومت افغانستان استفاده خواهد کرد، در حد حدس و گمان‌ها است. اما جیوپلیتیک می‌تواند پاسخ آن باشد. ظاهراً پاکستان در گذشته گیر کرده است و هنوز به دنبال عمق استراتژیک در افغانستان است. تا زمانی که این کشور این جاه‌طلبی‌اش را رها نکند، هم‌چنان تداوم شورش در افغانستان را دوست خواهد داشت و وضعیت موجود ادامه خواهد یافت.

علاوه بر آن، پاکستان از توافق‌نامه‌ی دوجانبه‌ی امنیتی که افغانستان اخیراً با امریکا امضا کرد نیز خوشحال نخواهد بود. از سوی دیگر، افغانستان اطمینان داده است که این توافق‌نامه، خطری به امنیت پاکستان نیست. زمان آن رسیده است که تشکیلات پاکستان رویکرد سنتی‌اش نسبت به افغانستان را بازبینی کند. برای پاکستان عاقلانه‌تر این است که در افغانستان یک حکومت دوست بخواهد، تا حکومتی که چالپوس پاکستان باشد.

هم‌چنین این برای پاکستان دشوار است که به تدریج این واقعیت را بپذیرد که روابط افغانستان با هند، رقیب اصلی این کشور، به‌شدت صمیمانه بوده است. در دوره‌ی پس از طالبان، هند در زمینه‌های انکشاف و تأمین ثبات در افغانستان جنگ‌زده فوق‌العاده سرمایه‌گذاری کرده است. هند دوست دیرینه‌ی افغانستان بوده است. در عین حال، نمی‌توان ظرافت سیاسی روابط افغانستان و هند از دیدگاه پاکستان را نادیده گرفت. گهگاهی، پاکستان هراس دارد که حکومت افغانستان به قیمت نادیده گرفتن نگرانی‌های قبلی امنیتی، هند را به عنوان شریک استراتژیک انتخاب کند. حتا بدتر این‌که هند از خاک افغانستان علیه پاکستان استفاده خواهد کرد. از سوی دیگر، افغانستان به شکل مستقیم و غیرمستقیم به پاکستان اطمینان داده است که به روابطش با هند باید به عنوان روابط مستقلانه‌تر دیده شود.

حکومت جدید اشرف غنی باید از دینامیزم‌های کلی منطقه‌ای و هم‌چنین ابعاد بین‌المللی روابطش با پاکستان، باخبر باشد. بنابراین، افغانستان و پاکستان، هر دو، ظرفیت بالقوه برای ارائه‌ی تعریف جدید از روابط‌شان دارند که در نهایت زمینه را برای تأمین صلح واقعی در سراسر منطقه مساعد خواهد کرد. با این حال، غنی هیچ کاری نمی‌تواند، مگر این‌که پاکستان با یک دید جدید آینده‌نگر، به ابتکار عمل‌هایش پاسخ مشابه دهد.

اشرف غنی، رییس جمهور تازه انتخاب شده‌ی افغانستان اخیراً به امید این‌که فصل جدیدی از روابط میان دو کشور همسایه‌ی افغانستان و پاکستان گشوده شود، در رأس یک هیأت بلندپایه از پاکستان دیدار کرد. اشرف غنی، برخلاف حامد کرزی، در رساندن پیامش به رهبری پاکستان، صریح‌تر بوده است. حکومت پاکستان و حلقه‌های سیاسی آن، به‌طور گسترده با وضاحت دیدگاه او آشنا اند. من، به عنوان مشاور پیشین غنی، زمانی که رییس کمیسیون انتقال امنیتی بود، از مهارت‌های دیپلماتیکی و فهم او به‌درستی آگاهم. با این حال، با وجود تمام خوش‌بینی‌ها، هیچ نشان واضحی مبنی بر دستیابی به موفقیت در آینده‌ی نزدیک وجود ندارد.

در جریان بیش از یک دهه ریاست جمهوری حامد کرزی، رییس جمهور پیشین، روابط با پاکستان سخت‌ترین چالش سیاست خارجی او باقی ماند. او متقاعد شده بود که هرگونه تلاش برای عادی‌سازی روابط با پاکستان انجام شده است، هرچند این تلاش‌ها دست‌آوردی در پی نداشتند. رییس جمهور پیشین، بیش از حکومت ملکی پاکستان، تشکیلات نظامی این کشور را مانع اصلی می‌دانست. در این مدت، حکومت افغانستان به‌صورت واضح یک استراتژی منسجم در رابطه به پاکستان نداشت. نقش داشتن چندین طرف سهیم در افغانستان و منافع سیاسی واگرا، بخشی از پیچیدگی در فرمول‌بندی یک سیاست خارجی خوب تعریف شده بودند.

اکنون همه‌ی چشم‌ها به غنی که پس‌زمینه‌ی غنی در زمینه‌ی اقتصاد و دولت‌سازی دارد، دوخته شده‌اند تا روابط پیچیده با پاکستان را بازتعریف کند. از آن‌جایی که رهبری افغانستان قویاً به رابطه‌ی علت و معلولی بین میزان خشونت در افغانستان و درجه‌ی خصومت پاکستان باور دارد، فرض بر آن است که روابط دوستانه و بر اساس همکاری و احترام دوجانبه با پاکستان، در نهایت به صلح دوام‌دار در افغانستان می‌انجامد.

تشکیلات نظامی پاکستان از قدیم میان طالبان «خوب» و طالبان «بد» فرق قایل شده است. تشکیلات نظامی پاکستان صرف آن دسته از گروه طالبان را دشمن می‌پندارد که در پاکستان عملیات تروریستی انجام می‌دهند و وحشت ایجاد می‌کنند. سرتاج عزیز، مشاور امنیت ملی پاکستان اخیراً بیانیه‌ی بحث‌برانگیزی را صادر کرد که صرف به بی‌اعتمادی دامن زد. وی گفت که حکومت او صرف زمانی علیه طالبان می‌جنگد که تهدیدی علیه پاکستان باشد. سرتاج عزیز در مصاحبه‌ای با بخش اردوی بی‌بی‌سی گفت که قرار نیست پاکستان گروه‌های شورشی‌ای را هدف قرار دهد که «تهدیدی علیه دولت» نیستند. این گفته عکس‌العمل‌های قوی حکومت افغانستان را باعث شد و تأیید کرد که پاکستان در زمینه‌ی برخورد با گروه‌های طالبان رویکرد انتخابی داشته است.

سهل گرفتن بیش از حد و اذعان نکردن به پیچیدگی سیاست طالبان، یکی از نقاط ضعف حکومت افغانستان باقی مانده است. با این حال، در زمان ریاست جمهوری اشرف غنی، به نظر می‌رسد که یک سلسله تلاش‌ها در این زمینه در جریان باشند، هرچند این یک وظیفه‌ی دشوار خواهد بود. از زمانی که حکومت جدید وحدت ملی قدرت را در اختیار گرفته است، تعداد حملات تروریستی در سراسر کشور به‌شدت افزایش یافته است و در این میان کابل هدف اصلی بوده است. با این حال،

## افغانستان؛ جغرافیای...

که یک تن تریاک را در جلال‌آباد بخرند. همه‌ی آن‌ها با رییس حوزه‌های پولیس، والی‌ها و ولسوال‌ها در هر بخش ارتباط دارند. آن‌ها نماینده‌ی خود را به پاسگاه پولیس می‌فرستند که چه کسانی به فرمانده پول داده است و کدام موتر اجازه‌ی عبور دارد».

اما از آن‌جایی که دولت افغانستان، دولت مواد مخدر بود، رییس جمهور اواما در سال ۲۰۱۰ قانون جدیدی را به‌وجود آورد. ورود ده‌ها هزار سرباز و میلیاردها دالر هزینه، ممکن یک فرصت طلایی برای حل مشکل مواد مخدر بوده باشد. در عوض، عکس قضیه اتفاق افتاده است. بنابراین، سربازان جدید کار مشابه اداری بوش را با رهبران جهادی تکرار کردند. در حالی که قبلاً یگانه دلیلی که آن‌ها داشتند، نبود نیروی کافی بود؛ اما موجودیت نیروی کافی نیز فراهم شد.

اواما در جریان چهار سال ۱۰۰،۰۰۰ سرباز را در افغانستان داخل و خارج کرد که طالبان را شکست دهند و نیروهای اردو و پولیس افغانستان را تجهیز کنند و آموزش دهند. فرماندهان امریکایی به‌خاطر عملیات‌های جنگی اجباری کوتاه‌مدت و تدارکات لجیستیکی و تعدادی از مشاوران طولانی‌مدت برای ریشه‌کن ساختن فساد، مخدرات و تقویه‌ی حقوق بشر، به افغانستان فرستاده شده بودند. چهره‌های بدنامی مانند برادر رییس جمهور، احمد ولی، خیلی سخت بود که پاسخ‌گوی چنین یک وضعیت باشند، یا به‌جای وی جاگزین مناسب‌تری انتخاب شود.

ژان لوک لیمپو، کسی که به عنوان رییس اداری مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان ملل بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ کار کرده است، می‌گوید: «مبارزه با مواد مخدر در اولویت نیست و این به معنای یک اتحاد نامقدس با بازی‌گران دارای حمایت‌های مقام‌های بلندپایه می‌باشد».

به اساس گفته‌های مقام‌های سازمان ملل، یک نوع معامله‌ی غیررسمی در سطح میانجی‌گری صورت می‌گیرد: سازمان مبارزه با مواد مخدر امریکا (DEA)، پولیس فدرال امریکا (FBI) و

بخش‌های عدالت و خزانه به‌دنبال افغان‌های بلندپایه‌ای که در تجارت مواد مخدر دخیل اند، نمی‌باشند. در عوض، توجه جدی آن‌ها به قاچاق‌برانی است که با طالبان در ارتباط اند.

تحقیقات و پیگردهای قانونی در حال حاضر از اولویت‌های کاری نیستند.

در این میان، سازمان مبارزه با مواد مخدر و پولیس فدرال امریکا از طریق سیستم افغانستان سعی داشتند واحدهای تخصصی را در بخش پولیس مبارزه با مواد مخدر افغانستان تأسیس کنند. اعضای افغان این واحدها توسط مربیان امریکایی انتخاب می‌شدند. آن‌ها به گونه‌ی مستقیم به جنرال باز محمد، شخص عاقل و سیاست‌مدار خبره که جانشین داوود گردیده بود، پاسخ‌گو بودند. جنرال باز محمد به دلیل توانایی و موفقیتی که در هدف قرار دادن قاچاق‌بران دارد، به‌نام مستعار «تفلون آفتاب‌پرست» (Teflon Chameleon) یاد می‌گردد. یک مقام اسبق دادگاه می‌گوید: «من این را پدیده‌ی ایکاروس تصور می‌کنم: آن‌ها می‌دانند که قبل از غروب آفتاب چقدر بالا پرواز می‌کنند».

### هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتها		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	100\$ USD	۲۵۰۰ افغانی	شش ماهه	۷۵۰ افغانی	سه ماهه
Annual	180\$ USD	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله	۱۳۰۰ افغانی	شش ماهه
				۲۵۰۰ افغانی	یک ساله

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسؤلیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



# تمیزترین کشورهای دنیا را بشناسید



۴. **موریس**  
جزیره‌ی رویایی موریس در جنوبی‌ترین نقطه‌ی اقیانوس هند و جنوب شرقی قاره‌ی آفریقا قرار گرفته است. جزیره‌ی موریس یکی از بهترین مکان‌ها برای گذراندن ماه عسل در دنیا می‌باشد. تپه‌های زیبا، جنگل‌ها، رودخانه‌ها و مرداب‌های فوق‌العاده زیبای موریس به علاوه‌ی هوای مطبوع و روح‌بخش آن، به انسان حس تولدی دوباره می‌بخشد.
۳. **اتریش**  
اتریش کشوری سرسبز و زیبا در اروپا است. شاخص عملکرد زیست‌محیطی اتریش ۱۰۰ می‌باشد. آن قدر هوای اتریش مطبوع و سالم است و محیط آن تمیز و چشم‌نواز که جایگاه سوم تمیزترین کشورهای جهان را به خود اختصاص داده است.
۲. **کیوبا**  
سواحل زیبا، فضای سبز و دریاچه‌های بی‌نظیر بر هرچه زیباتر شدن کیوبا می‌افزایند. علاوه بر این، قوانین و پارامترهای مرتبط با رعایت بهداشت در این کشور به هرچه جذاب‌تر شدن آن کمک می‌کند. کیوبا چون جزیره است، آن قدر هوای دل‌نشین و ملایمی دارد که ناخودآگاه انسان را مدهوش می‌کند.
۱. **کلمبیا**  
برای ماه عسل و گذران بهترین روزهای زندگی‌تان در صلح و آرامش، کلمبیا بهترین انتخاب است. آن قدر کلمبیا زیبایی دارد و کوه‌ها و فضای سبز بی‌نظیر آن چشم‌نواز است که زندگی در آن‌جا برای افرادی که مبتلا به بیماری هستند و احتیاج به محیطی سالم، امن و آرام دارند، توصیه می‌شود. کلمبیا به عنوان تمیزترین کشور دنیا در سال ۲۰۱۳ شناخته شده است. (برترین‌ها)

۸. **سوئیس**  
سوئیس را می‌توان بهشت روی زمین دانست؛ چرا که طبیعت زیبا و کوه‌های سبز چشم‌ها را خیره می‌کند. سوئیس به سه بخش ژورا، فلات سوئیس و رشته‌کوه‌های آلپ تقسیم می‌شود. شاخص عملکرد زیست‌محیطی سوئیس ۸۹٫۱ می‌باشد که طبیعت مدهوش‌کننده‌ی سوئیس هر روز این عدد را به سمت برتری سوق می‌دهد.
۷. **کوستاریکا**  
با توجه به برنامه‌ی توسعه‌ی ایالات متحده‌ی آمریکا و قدرت اقتصادی کوستاریکا، زیبایی و پاک‌ی در این کشور به اوج خود رسیده است. شاخص عملکرد زیست‌محیطی این کشور ۸۶٫۴ است که به ساکنان خود بالاترین طول عمر را هدیه می‌کند. سیستم آب‌رسانی فوق‌العاده‌ی بهداشتی و منحصر به فرد در این کشور یکی از تدابیر خاص نظافتی در این کشور می‌باشد.
۶. **سوئدن**  
شاخص عملکرد زیست‌محیطی سوئدن ۸۶٫۳ می‌باشد. در سوئدن قوانین سخت‌گیرانه‌ای که دولت برای نظافت در نظر گرفته است، کارساز بوده و این کشور را معرکه کرده است.
۵. **ناروی**  
در منطقه‌ی اروپا، ناروی ثروتمندترین کشور است. علاوه بر این، ناروی پر است از مکان‌های رویایی و منظره‌های زیبا که به معنای واقعی کلمه می‌توان هنرنمایی خدا را در آن مناطق با چشمان خود دید. ناروی همواره در تلاش است که جایگاه خود را ارتقا دهد و در حفظ این زیبایی‌ها کوشا باشد.
۹. **ایسلند**  
ایسلند جزیره‌ای آراسته و زیبا در اروپا می‌باشد. جزیره‌ی ایسلند جو خنک و فرح‌بخشی دارد. زمانی که پا در سرزمین ایسلند می‌گذارید، هوای آرام‌بخش و سرشار از انرژی آن را ناخودآگاه احساس می‌کنید. شاخص عملکرد زیست محیطی ایسلند ۹۳٫۷
۱۰. **فرانسه**  
طبیعت آراسته و رمانتیک فرانسه، هم‌چنین اکوسیستم و روش‌های پیشرفته‌ی نظافت در این کشور روزه‌روز به زیبایی آن می‌افزاید. استانداردها و قوانین بسیاری برای حفظ نظافت و پاکیزگی کشور طراحی شده است. به فرانسه و پاریس سفر کنید و از اعماق وجودتان لطافت و پاک‌ی را در هوا لمس کنید.

## بگو مگو از facebook

**Abdullah Watandar**  
**فوب و بد کار عبدالخالق و ممفل یاد بود او**  
 دوستانی تصمیم گرفته‌اند محفلی را در کابل برای بزرگداشت سالروز شهادت عبدالخالق برگزار کنند. این کار، قابل ستایش و قدردانی است.



کار عبدالخالق و پیامد اجتماعی آن کار، خیلی روشن نیست. در این زمینه نیازمند تحقیق و بررسی منصفانه هستیم. حتا انگیزه‌ی عبدالخالق برای پایان دادن به زندگی نادرشاه، خیلی روشن نیست؛ اما از چیزهایی که من در این مورد خوانده‌ام، چنین برداشت کرده‌ام که ستم، پایش را از زندگی عبدالخالق بیرون نمی‌کشید و او را دنبال می‌کرد. عبدالخالق با ویژگی‌های شخصی که داشت، سرانجام تصمیم به رویارویی با این ستم گرفت. با نقش پای این ستم در پس‌زمینه‌ی قومی عبدالخالق، همه آشنا می‌شویم. وقتی هم چرخ‌ها زمین‌ه‌ی یک زندگی آبرومندانه را برای عبدالخالق و خانواده‌اش فراهم کردند، باز هم این ستم دست از سر عبدالخالق و سرنوشتش بر نمی‌داشت. این بار، در کنار ستم فراگیر و عمومی، ستم ویژه بر خانواده‌ی چرخ‌ی از سوی حاکمیت نادرخانی هم به نحوی به سراغ عبدالخالق می‌آمد و کامش را تلخ می‌کرد. تصور خشم این جوان فوق‌العاده شجاع و رهیافته به مراکز تحصیلی-علمی، خیلی سخت نیست.

گذشته از پیامدهای عملی کار عبدالخالق و با احترام به تمام شیوه‌های مبارزه‌ی مدنی که ما داریم در افغانستان امروز تمرین می‌کنیم، ایستادن در مقابل ستم و نه گفتن به ستم‌گر، در تمام جهان و در طول تاریخ بشر یک ارزش دوست‌داشتنی و مهم بوده است و در آینده هم خواهد بود. وقتی ستم‌گر داد و بیداد شما را نشنود، گریه و زاری شما را نبیند، ناراحتی شما را نادیده بگیرد و شما هم وسیله‌ی دیگری برای نجات از ستم او نداشته باشید، نواختن یک سیلی، پرتاب یک مشت و شلیک یک گلوله می‌توانند نتایج انتخاب‌های دیگر شما باشند. سادگی است اگر فکر کنیم که ناله و فریاد و گریه و فغان و... عبدالخالق و عبدالخالق‌ها را نادرشاه و دار و دسته‌اش می‌شنیدند. در کنار دیگر منابع، خواندن کتابی که به وسیله‌ی یکی از اعضای خانواده‌ی چرخ‌ی (خاطرات خالد چرخ‌ی) نوشته شده است، به خوبی نشان می‌دهد که افغانستان آن روز، چه وحشت‌کده‌ای بوده است. بعد از قتل نادرشاه، یک طفل شش ساله را ۱۵ سال تمام زندانی می‌کنند. این طفل و زندان رفتنش، فقط یک نمونه از وحشت آن دوران است.

بسیاری‌ها می‌گویند که خوب، شما از حاکمیت‌های آن زمان چه توقع دارید. ستم در افغانستان آن وقت‌ها، یک پدیده‌ی عادی بود. من می‌گویم، خیلی خوب، ما توقع نداریم. اما شما چرا توقع دارید که عبدالخالق در مقابل چنان حاکمان و چنان ستم‌گران، از شیوه‌های مدنی امروزین برای مبارزه سود می‌برد؟ حتا اگر عبدالخالق را با امروزی‌ها مقایسه کنیم، مبارزه‌ی او را بسیار شریفانه و دوست‌داشتنی می‌پاییم. گلوله‌ای که از تفنگچه‌ی عبدالخالق شلیک شد، در میان صدها هزار کابلی و میلیون‌ها افغانی، فقط نادرشاه- سرده‌ی ستم‌گران- را به زمین زد. حالا این گلوله را با گلوله‌های برادران راضی و ناراضی امروزین ما مقایسه کنید، گلوله‌هایی که کور هستند و نظمی را از کراچی‌وان فقیر، حاکم را از طفل خردسال، خارجی را از هموطن، جنرال را از دانشجو، زن را از مرد و... تشخیص نمی‌دهند. در کابل چند مکان عمومی به نام نادر ستم‌گر است؛ آیا عبدالخالق حق ندارد، گوری، مزاری و محل یادبودی در وطنش داشته باشد؟ بدی این کار در چیست؟ یادداشت: چه قدر خوب خواهد بود اگر دوستان لطف کنند و از آن‌هایی که با خالق یک‌جا شهید شدند، یا سال‌ها را به خاطر اقدام خالق در زندان تیر کردند و ستم کشیدند هم یادی بکنند. خوش‌بختانه، هم‌راهان، دوستان و یاران خالق از اقوام مختلف افغانستان هستند. خالق، واقعا پدیده‌ای است مربوط به همه.

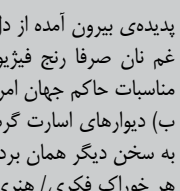
**Daoud Naji**  
 مقام‌های امریکایی می‌گویند، چهار طالب را به درخواست رییس جمهور غنی از گوانتانامو به کابل آوردیم و تحویل دولت دادیم.  
 دولت افغانستان ظاهرا مایل نیست کسی چیزی در این مورد بداند. دولت هیچ بیانی‌ه رسمی در این مورد منتشر نکرده و توضیح نداده که این چهار نفر حالا کجا هستند و قرار است چه برخوردی با آن‌ها صورت بگیرد.  
 در حالی که وزارت دفاع امریکا و سفارت امریکا در کابل دو بیانی‌ه جداگانه در این مورد منتشر کرده، ارگ اما کماکان خاموش است. اگر خبرنامه‌های امریکایی نمی‌بودند، شاید هیچ‌کس چیزی در این مورد نمی‌دانست.



**Asad Kosha**  
**غم نان**  
 الف) چاکاه، استخوان‌خراش و یاس‌آور، غم نان بزرگ‌ترین غم آدمی در زندگی امروزی می‌باشد. غم نان اما تقدیر ابدی و ازلی آدمی نیست. غم نان، زاده‌ی مناسبات شیاد و پدیده‌ی بیرون آمده از دل فقر است.  
 غم نان صرفا رنج فیزیولوژیک نیست. غم نان نوعی اسارت است و انسانی که در مناسبات حاکم جهان امروزی گرسنه است، انسانی است اسیر.  
 (ب) دیوارهای اسارت گرسنگی در گونه‌ی خود نوعی زندان بردگی است. انسان گرسنه به سخن دیگر همان برده‌ای است در زندان فقر. انسانی که در وهله‌ی نخست بیش از هر خوراک فکری/ هنری دیگر و حتا بیش از خدا به نان نیاز دارد. نان در چنین حالتی همان اکسیر رهایی‌بخش است که انسان گرسنه را از زندان بی‌نایی رها می‌کند.  
 (ج) با این همه، غم نان درخشان‌ترین غم جهان امروز است و این غم چنان تابان است که از درخشش آن این کوه‌ی سراسر تار و تاریک روشن است.



**Zahra Mohammadi Sepehr**  
 از کنار پل سوخته می‌گذرم. کودکان، جوانان، میان‌سالان و پیرمردان نمایشگاه معتادان زیر پل سوخته را تماشا می‌کنند. زندگی با همه‌ی دردهایش ادامه دارد. مردم آن قدر درد دارند که به درد معتادان برای تسکین درد خود می‌بینند. کمی آن‌سوتر بیلوردی به مناسبت روز جهانی حقوق بشر دیده می‌شود، «کشتن انسان‌ها، زن و کودک، فساد اداری و...» حس می‌کنم نوشته‌های این بیلورد بی‌معنا هستند، وقتی زیر آن بشری ساز مرگ می‌نوازد و بشر دیگری عادت‌وار و بی‌تفاوت به او می‌بیند و از کنارش فقط با افسوس برای یک لحظه می‌گذرد. از خودم می‌پرسم، در سرزمین من این بشر کیست و این حقوق بشر چیست؟



## ریزش موی‌تان را با موم عسل درمان کنید

سوراخ‌های کندو استفاده می‌کند و کشف جدیدی نیست. مردم باستان از موم برای التیام زخم‌ها استفاده می‌کردند و در حال حاضر برای درمان سوختگی، جوش صورت و درمان تومورها استفاده می‌شود؛ اما تاکنون به عنوان ابزاری برای جنگ با ریزش مو به‌کار برده نشده است.  
 موم خاصیت ضدالتهاب، ضدتومور و تأثیرات مفید بسیاری بر سلامت بدن دارد. برای رشد طبیعی موها نیازمند سلول‌های مخاطی بدون التهاب هستیم و موم موجب رشد سلول‌های کراتینوسیت

ریزش مو موجب آزار و ناراحتی بسیاری از افراد است. بر اساس تحقیقات محققان دانشگاه «هوکیدو»ی جاپان، ماده‌ی موممانند استخراج شده از کندوی زنبور عسل موجب رشد دوباره‌ی مو می‌شود. محقق این تحقیق، «کن کیوباپاشی» اظهار امیدواری کرد، ماده‌ی موممانند موجب بهبود مو و کاهش التهاب‌های ناشی از تأثیرات «کراتینوسیت» و «پرولیفراتیو» شود.  
 خواص ضدالتهابی این موم به دلیل وجود مواد صمغ‌مانندی است که زنبور عسل برای اتصال

از ترکیبات مهم در رشد موها می‌شود. محققان این تحقیق تأثیر موم را بر موهای تراشیده شده‌ی موش‌ها به دلیل تحریک افزایش کراتینوسیت و رشد سریع موها مشاهده کردند. البته این نتایج به این معنا نیست که اگر فردی به کچلی مبتلا شد، به سر خود عسل بمالد، بلکه ریزش مو، به‌خصوص در مردان، به دلیل وجود میزان مختلف «تستوسترون» در مراحل زندگی است و ریزش موی آنان به دلیل التهاب نیست. (جام آنلاین)





## وقتی دیگر «کار، کار آری نیست»!

داشت: «او یک بازیکن حرفه‌ای و عالی با توانایی فوق‌العاده است». این‌ها همه بدین معنا نیست که روبن بازیکن دیگری شده است، بلکه وی همان روبن است. این هافبک ۳۰ ساله مثل همیشه در بیل می‌کند، منطقه‌ی بازی را عوض می‌کند، اما او دیگر تنها در پی اهداف شخصی خود نیست. او جدیداً به کمک مدافعان هم می‌شتابد. خیلی‌ها در مورد این بازیکن می‌گویند: وی دیگر نه تنها خلاق‌ترین، بلکه مؤثرترین بازیکن بوندسلیگا هم هست. خود وی معتقد است: «همه‌ی ما به شکل تیمی حواس‌مان به عقب زمین هست. همه‌ی یازده بازیکن مراقب خط دفاعی هستیم».

او که این روزها به یک بازیکن غیرقابل چشم‌پوشی در بایرن مونیخ تبدیل شده است، اخیراً صدمین گول خود را هم در صد و هشتاد و چهارمین بازی با پیراهن این تیم به ثمر رساند.

وی در کشورش هالند به عنوان برترین ورزشکار سال برگزیده شد. وی ضمن ابراز خوش‌حالی از این انتخاب گفت: «من بعد از ۲۷ سال اولین فوتبالیستی هستم که در هالند به این عنوان می‌رسد». پیش از او تنها فوتبالیست‌هایی که توانستند به این جایگاه برسند، رود گولیت و یوهان کرایوف بودند.

امسال به دلیل نمایش خوبی که روبن در جام جهانی برازیل ارائه کرد، این سوال بارها از وی پرسیده می‌شود که آیا وی به لحاظ آمادگی بدنی در آرمانی‌ترین وضعیت طول زندگی‌اش به سر می‌برد یا خیر و هم‌چنین این سوال که رمز موفقیت وی چیست. پاسخ وی اغلب این‌گونه است: «پپ گواردیولا دریچه‌های جدیدی را در بایرن پیش روی من گشود. به لطف ایده‌های وی من حرکت رو به جلویی داشتم». این مربی اسپانیایی هم در توصیف شاگرد هالندی‌اش اظهار

آرین روبن این روزها در بایرن مونیخ به بازیکنی تبدیل شده که محبوب همگان است. اخیراً کارل هاینس رومنیگه این هافبک هالندی را «بهترین بازیکن جهان» نامید. پپ گواردیولا هم او را تحسین کرد و هواداران بایرن هم وی را یک هنرمند استثنایی قلمداد می‌کنند.

داستان این محبوبیت از ماه می ۲۰۱۳ مطرح شد: یعنی از دیدار فاینل چمپیونزلیگ در استدیوم ومبلی لندن، که روبن با گولی که وارد دروازه‌ی بوریسا دورتموند کرد، برای باورایی‌ها تبدیل به یک نماد گردید. این در حالی است که وی پیش از آن عنوان کلاغ بدشانس را یدک می‌کشید. از می ۲۰۱۳ هواداران بایرن شعری را می‌خوانند که با این مصرع به پایان می‌رسد: «کار، کار آری نیست». روبن اخیراً در هر بازی با سرعت در بیلش نگاه‌ها را به خود جلب می‌کند. می‌توان ادعا کرد، سال ۲۰۱۴ بهترین سال ورزشی این بازیکن بود، به طوری که

## مربی سن لورنزو: ریال مادرید غیرقابل مهار است

شکست دادن ریال، با چنین توازنی که در تیمش وجود دارد، بسیار بسیار دشوار است و من زمانی که به آنچلوتی تبریک می‌گفتم، این مسئله را نیز با وی مطرح کردم. در ریال، همه‌ی بازیکنان باهم دفاع و حمله می‌کنند. خلاقیت‌های فردی استثنایی بازیکنان این تیم، در کنار اتحادی که در این مجموعه وجود دارد، ریال را به خطرناک‌ترین تیم جهان تبدیل کرده است. واقعیت این است که این تیم، غیرقابل مهار است و هم‌چنان به رکوردشکنی ادامه خواهد داد».

ریال مادرید شبه‌شب در یک بازی برتر موفق شد با ۲ گول بر سن لورنزو غلبه کرده و قهرمان جام جهانی باشگاه‌ها شود. گول‌های ریال در این بازی را راموس و گرت بیل به ثمر رساندند تا ریالی‌ها در شب بیست و دومین برد متوالی خود، چهارمین جام سال ۲۰۱۴ را نیز به ویتترین افتخارات خود اضافه کنند. «ادگاردو بائوزا»، سرمربی تیم سن لورنزو، در پایان دیدار تیمش مقابل ریال مادرید به خبرنگاران گفت: «من انتظار مقابله با چنین تیم قدرتمندی را داشتم».

## بازتاب قهرمانی ریال: جهان، زیر پای کهکشانی‌ها

گلوبو، برازیل: بدون معجزه. ریال به قهرمانی جهان دست یافت و سال فوق‌العاده‌ی خود را با چهار عنوان قهرمانی به پایان برد. UOL، برازیل: ریال برای چهارمین بار قهرمان جهان شد. آبوله، پرتغال: قهرمان اروپا، قهرمان جهان هم شد. اوواسیون، اروگوئه: ریال با گول‌های بیل و راموس، سن لورنزو را برد و قهرمان جهان شد. ال تیمپو، کلمبیا: ریال، تاج قهرمانی جهان را بر سر گذاشت. لیبیه رو، پیرو: کهکشانی‌ها پیروز شدند و تاج قهرمانی جهان را بر سر گذاشتند. ال پاییس، اسپانیا: حتا تیم مورد علاقه‌ی پاپ هم نتوانست ریال را متوقف کند. حالا ریال پادشاه فوتبال جهان است. ال موندو، اسپانیا: یک ریال مادرید فراموش‌نشده. ۲۰۱۴، سالی برای ماندن در خاطرات. موندوپیورتیوو، کاتالونیای اسپانیا: راموس و بیل، ریال را قهرمان کردند. اسپورت، کاتالونیا اسپانیا: ریال جام جهانی باشگاه‌ها را فتح کرد. مارکای اسپانیا: جهان زیر پای ریال مادرید.

ریال مادرید با برتری ۲-۰ بر سن لورنزو، چهارمین قهرمانی خود در سال ۲۰۱۴ را جشن گرفت. چیزی که در تاریخ این باشگاه بی‌سابقه بود. بازتاب این قهرمانی در رسانه‌های جهان گسترده بود: اوله، آرژانتین: نه خدا و نه پاپ، نتوانستند به سن لورنزو در مقابل ریال کمک کنند. معجزه‌ای در کار نبود. کانچالانا، آرژانتین: سن لورنزو باخت و برای تحقق رویای قهرمانی، هیچ واکنشی از خود نشان نداد. کلارین، آرژانتین: سن لورنزو مقابل ریال در حدی نبود که برایش معجزه‌ای رخ دهد. گاترتا دلو اسپورت: آنچلوتی و یک جام جهانی دیگر، مسابقه‌ای که بیش‌تر پرتنش بود تا جذاب، با برتری کهکشانی‌ها پایان یافت. معجزه‌ای برای تیم آرژانتینی رخ نداد. بیلد، آلمان: بلی، ریال حالا قهرمان جهان است. کروس برای دومین سال متوالی قهرمان جام جهانی باشگاه‌ها شد. اکیپ، فرانسه: ریال بر بام فوتبال جهان ایستاد. دیلی میروز: با گولزنی گرت بیل، ریال قهرمان جام جهانی باشگاه‌ها شد.

## پیگرینی: داوید سیلوا جای آگوئرو را پر کرد

بدهد. در این مورد، بدون آگوئرو، یووتیج، ژکو یا کمپانی و سایر بازیکنان لحظات مهمی مانند آنچه داوید سیلوا امروز داشت را رقم می‌زنند.

این هشتمین پیروزی پیاپی سیتی در لیگ برتر بود و پیگرینی معتقد است که این نتایج نشان می‌دهد که چرا آن‌ها فصل قبل قهرمان لیگ برتر شدند. «می‌دانم حالا چلسی فشاری احساس می‌کند یا نه. مهم‌ترین موضوع برای تیم ما، کسب سه امتیاز است. ما باید به همین شکل به کارمان ادامه بدهیم و معتقدم که می‌توانیم در مسابقات قهرمانی بمانیم. دسامبر ماه مهمی است. هرچند تکلیف قهرمانی در این ماه مشخص نمی‌شود؛ اما ماهی است که بازی‌های زیادی در آن انجام می‌شود و باید بتوانید در نزدیکی صدر جدول بمانید».

مانویل پیگرینی، سرمربی منچستر سیتی پس از پیروزی ۳-۰ تیمش مقابل کریستال پالاس، نمایش داوید سیلوا، ستاره‌ی اسپانیایی تیمش را مورد ستایش قرار داد. در این دیدار داوید سیلوا دو گول زد تا سیتی با این سه امتیاز، با چلسی صدرنشین هم‌امتیاز شود. پیگرینی معتقد است، سیلوا به خوبی جای خالی سرخیو آگوئرو که به دلیل مصدومیت دور از میدان است را پر کرد. او به خبرنگاران گفت: «تیم ما همیشه به سرخیو آگوئرو نیاز دارد؛ زیرا او بازیکن بسیار مهمی برای ماست. اما این تیم فقط سرخیو آگوئرو نیست. سیلوا دقیقاً به همان اندازه مهم است. این دو بازیکنان درجه یکی هستند که می‌توانند سرنوشت‌ساز شوند. اما اگر به هر دلیلی آن‌ها نتوانند بازی کنند، ما تیمی داریم که می‌تواند کارهای زیادی انجام

## آنچلوتی: ۲۰۱۴، باور نکردنی و فراموش‌نشده بود

کارلو آنچلوتی بار دیگر موفق شد ریال را به یک افتخار مهم رهنمون کند. ریال مادرید شبه‌شب با هدایت کارلوتو، به چهارمین جام خود در سال ۲۰۱۴ دست یافت. ریال با برتری ۲-۰ مقابل سن لورنزو، قهرمان جام جهانی باشگاه‌ها شد. کارلو آنچلوتی در پایان این دیدار در جمع خبرنگاران چنین گفت: «سال ۲۰۱۴، باورکردنی و فراموش‌نشده بود. امیدوارم سال ۲۰۱۵ نیز به همین خوبی باشد. از این‌که سال را با یک افتخار دیگر به پایان می‌رسانیم، بسیار خوش‌حالم. اما می‌دانم که فصل هنوز ادامه دارد».

## گرت بیل، مردی برای تمام فاینل‌ها

گرت بیل در یک فاینل دیگر نیز برای ریال مادرید گولزنی کرد تا بیش از پیش ثابت کند که ارزش ۱۰۰ میلیون یورویی که ریال برای خرید او پرداخت کرد را دارد. بیل تابستان گذشته به ریال مادرید پیوست و اولین فاینلی که با این تیم تجربه کرد، دیدار نهایی کوپا دل ری مقابل بارسلونا بود. بیل در آن بازی یک گول استثنایی به ثمر رساند تا ریال ۲-۱ بارسا را شکست داده و قهرمان شود.

یک‌ماه بعد در فاینل لیگ قهرمانان بازمه گرت بیل برای کهکشانی‌ها گولزنی کرد. این بار او گول دوم ریال را به اتلتیکو زد. ریال در آن بازی ۴-۱ پیروز و قهرمان اروپا شد. آگست امسال و در دیدار سوپر جام اروپا مقابل سویا که در شهر کاردیف برگزار شد، بازمه بیل برای ریال گولزنی کرد. ریال آن بازی را ۲-۰ برد و قهرمان شد.

شبه‌شب و در فاینل جام جهانی باشگاه‌ها، بیل در دقیقه ۵۱ گول دوم ریال را وارد دروازه‌ی سن لورنزو کرد تا در چهارمین فاینل خود با پیراهن ریال مادرید نیز گولزنی کرده باشد. ریال با برتری ۲-۰ بر حریف آرژانتینی، چهارمین جام خود در سال ۲۰۱۴ را تصاحب کرد.

## تبعیض به سبک لوییس انریکه

داشت. سرمربی بارسا به بازیکنان اسپانیایی تا ۳۰ دسامبر استراحت داده است و بازیکنان خارجی تا ۳۱ دسامبر فرصت استراحت دارند. اما جالب است بدانید که انریکه تصمیم گرفت تا به نیمار و مسی چند روز پیش‌تر از سایر بازیکنان استراحت بدهد. این دو فوق‌ستاره‌ی بارسلونا باید خود را روز ۳ جنوری به سرمربی بارسا معرفی کنند.

تعطیلات رسمی بازیکنان بارسلونا از شبه‌شب آغاز شد. آن‌ها پس از گول‌باران کردن کوردوبا (۵-۰)، راهی تعطیلات کریسمس شدند. بارسای‌ها حالا فرصت خوبی دارند تا در کنار خانواده، روزهای پرتنش فوتبال را فراموش کرده و با چند روز استراحت، پرانرژی‌تر از قبل به تمرینات بازگردند. چیزی که لوییس انریکه در نشست خبری دیروز خود بدان اذعان

## فان‌خال:

## از تساوی مقابل استون ویلا ناراحتم

کار نکردیم. ما بهتر توپ را کنترل کردیم، اما موقعیت‌های زیادی ایجاد نکردیم. برای پیروزی به اندازه‌ی کافی خوب نبودیم و در نیمه‌ی دوم هم به اندازه‌ی کافی موقعیت ایجاد نکردیم. فکر می‌کنم باید ته‌جمی‌تر کار می‌کردیم. ما به یک تساوی رسیدیم و به همین دلیل است که اندکی ناراحتیم. به نظر می‌توانیم در چنین دیدارهایی پیروز شویم، اما این کار را نکردیم».

فان‌خال هم‌چنین رادامل فالکائو، مهاجم کلمبیایی تیمش را که در این دیدار تک‌گول شیطین سخ را به ثمر رساند، مورد ستایش قرار داد و گفت: «گول زیبایی بود و من برای او خوش‌حالم. حضور او مقابل نیوکاسل؟ من باید بازی بازیکنان را هر هفته مقایسه کنم؛ نه فقط برای فالکائو، بلکه برای همه‌ی بازیکنان».

لوییس فان‌خال، سرمربی منچستر سیتی پس از تساوی ۱-۱ تیمش مقابل استون ویلا، از این‌که روند پیروزی‌های تیمش قطع شد، ابراز ناراحتی کرد. در این دیدار علی‌رغم این‌که استون ویلا در ۲۵ دقیقه‌ی پایانی بازی، با اخراج گابریل آگبونلاهور، با یک بازیکن کمتر بازی کرد، شاگردان فان‌خال نتوانستند به نتیجه‌ای بهتر از تساوی ۱-۱ دست پیدا کنند.

سرمربی هالندی به خبرنگاران گفت: «ما دو امتیاز از دست دادیم؛ در حالی که فکر می‌کنم ما تیم بهتر بودیم و وقتی در چنین دیدارهایی تیم بهتر هستیم و نمی‌توانید به پیروزی برسید، ناراحت کننده است. وقتی می‌خواهید در مسابقه‌ی قهرمانی بمانید، باید در چنین دیدارهایی پیروز شوید. فکر می‌کنم در نیمه‌ی اول، به اندازه‌ی همیشه، هجومی

## سوارز: نشان دادیم بارسا پا پس نکشیده است

لوییس سوارز پس از ۵۷۷ دقیقه ناکامی در گولزنی در لالیگا، سرانجام موفق شد در دیدار شبه‌شب مقابل کوردوبا به گول دست یابد. سوارز پیش از این، دو گول در لیگ قهرمانان برای بارسا به ثمر رسانده بود (مقابل آپول و پی‌اس‌جی) و ۶ پاس گول نیز داده بود. او در مقابل کوردوبا گول دوم بارسا و گول اول خود در لالیگا را به ثمر رساند.

مهاجم جنجالی اروگوئه‌ای در پایان این دیدار که به برتری ۵-۰ بارسا انجامید، به خبرنگاران گفت: «بالاخره در لالیگا توانستم گول بزنم و حالا خیالم راحت شد. مثل همیشه این گول را به همسر و فرزندانم تقدیم کردم. آن‌ها در خانه منتظر گولزنی من بودند. گولزنی برای

یک مهاجم همیشه مهم است. هواداران همیشه حامی من بودند و می‌دانستم که بالاخره لحظه‌های خوب برای من خواهند رسید. من یک مهاجمم و همیشه دوست دارم گول بزنم، ولی از طرفی دوست دارم به تیم کمک کنم تا به پیروزی دست یابد و این کار را می‌شود با دادن پاس گول هم انجام داد. به همین خاطر، گول نزدن خیلی آزارم نمی‌داد».

سوارز ادامه داد: «مساوی برابر ختافه برای ما گران تمام شده بود و می‌خواستیم با پیروزی بر کوردوبا نشان دهیم که از مبارزه در لالیگا عقب نکشیده‌ایم. پیروزی مهمی بود. برای ما خیلی مهم بود که با برد به تعطیلات برویم و همین‌گونه نیز شد».



## فرمانده پولیس قندهار: طالبان را در خاک پاکستان هدف قرار می دهیم



**اطلاعات روز:** بین نیروهای امنیتی و مخالفان مسلح دولت در آن سوی خط دیورند درگیری شدیدی رخ داده است. جنرال عبدالرازق، فرمانده پولیس قندهار دیروز گفت که برای نابودسازی مخالفان مسلح دولت در لسوالی شوراوک این ولایت

عملیات گسترده‌ای راهاندازی کردیم و نیز برخی از مرکزهای تروریستان در آن سوی خط دیورند را هدف قرار دادیم. او افزود که این مرکزهای طالبان در ۱۰۰ متری پاسگاه‌های امنیتی پاکستان قرار دارند و از آنجا بر خاک افغانستان حمله می‌شود. فرمانده پولیس قندهار گفت که در عملیات ویژه بعضی از مرکزهای مخالفان مسلح در آن سوی خط دیورند که از آنجا علیه خاک افغانستان حمله می‌شود، نابود شدند. او افزود که پولیس ملی و سرحدی عملیات مشترک در ساحه صفری خط دیورند در ولسوالی شوراوک انجام داده و به کمک سلاح ثقیله، خیمه‌ها و مرکزهای مخالفان مسلح در آن سوی خط را از بین برده‌اند. فرمانده پولیس قندهار از وزارت داخله خواست که از طریق وزارت امور خارجه با مقام‌های پاکستانی در قسمت مرکزهای تروریستان در تماس شود. او افزود که پاکستان از حملاتش بر خاک افغانستان جلوگیری نخواهد کرد و همچو فعالیت‌ها دوباره تکرار می‌شوند. عبدالرازق اما تأکید کرد که از هر جایی بر ولایت قندهار حمله شود، آنجا را مورد هدف قرار می‌دهیم. او گفت که طالبان از مناطق دولتی و ارغوتی خط صفری دیورند مواد انفجاری را انتقال می‌دهند. به گفته او، از این مناطق طالبان حملات را علیه افغانستان انجام می‌دهند و سپس به مرکزهای شان برمی‌گردند. اما او در مورد تلفات این درگیری جزئیات نداده است. ولسوالی شوراوک ولایت قندهار با پاکستان مرز مشترک دارد. این ولسوالی در جریان سال‌های گذشته همواره شاهد ناامنی بوده است.

احساس مسئولیت نمی‌کنند و این مسئله مشکلاتی را در عرصه‌های مختلف افزایش داده است. شهروندان نیز می‌گویند که حکومت وحدت ملی مشکلات موجود در کشور را در نظر بگیرند و بر اساس زدوبندهای شخصی و سیاسی، معرفی کابینه‌ی جدید را به تأخیر نیندازند. آنان هم‌چنان از سران این حکومت خواهانند که در کابینه‌ی جدید افراد شایسته، مسلکی و بدون داشتن تابعیت دوگانه را برای کسب رای اعتماد به مجلس معرفی کنند. اعضای مجلس نمایندگان چندی پیش تصمیم گرفتند که به افراد دارای دو تابعیت رای اعتماد نمی‌دهند؛ زیرا چنین افراد در حکومت قبلی متهم به فساد شدند و سپس به‌سادگی از کشور فرار کردند. از سویی هم، دیروز اعضای مجلس سنا از رییس جمهور و رییس اجرایی خواستند که افراد کارا و متخصص را در کابینه‌ی جدید معرفی کنند. هدایت‌الله رهایی، عضو سنا گفت که رهبران حکومت وحدت ملی اعلام کابینه را به تعویق انداختند و وعده دادند که افراد مسلکی و متخصص را به عنوان نامزدوزیر به مجلس معرفی می‌کنیم؛ اما حالا برخی از چهره‌هایی که نام‌شان به عنوان نامزدوزیر احتمالی در رسانه‌ها نشر شده است، شایسته و مسلکی نیستند.

### محمد محقق:

## نامزدوزیران کلیدی امروز یا فردا معرفی می‌شوند



اطلاعات روز: محمد محقق، معاون ریاست اجرایی حکومت وحدت ملی گفت که نامزدوزیران کلیدی امروز یا فردا توسط رییس جمهور و رییس اجرایی معرفی می‌شوند. آقای محقق دیروز در نشست شورای مجاهدین افغانستان در کابل تأکید کرد که باقی اعضای کابینه بین یک هفته یا ده روز دیگر برای دریافت رای اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند. معاون ریاست اجرایی گفت که اعضای کابینه‌ی جدید افراد مسلکی و کارا خواهند بود. این در حالی است که

برای فعال ساختن:  
در صفحه پیام 3G نوشته و به ۱۵۲ ارسال نمائید



با افغان بیسیم سرعت واقعی 3G را تجربه نمائید  
Experience the true speed 3.75G+

۰۷۰۰ ۸۳۰ ۸۳۰  
یا ۱۵۲  
[www.afghan-wireless.com](http://www.afghan-wireless.com)  
افغان بیسیم  
AFGHAN WIRELESS